

تغییر توازن نیروها - آرزوی امریکا، که هرگز تحقق پذیر نیست

امام خمینی: هر کس از افراد ملت، اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت وارد بشود...
آنها را می پذیریم

ساده اندیشی است که ماگمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طور که می خواهند باشند، باید بیایند و ما از شان استفاده کنیم.

امام خمینی از جمله گفتند: ... ساده اندیشی است که ما گمان کنیم که فقط تخصص میزان است و علم میزان است. علم الهی هم میزان نیست، علم توحید هم میزان نیست. علم فقه بقیه در صفحه ۲

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه، در برابر گروهی از دانشجویان تربیت معلم شهرستانهای مختلف کشور، بیانی ایراد کردند.

آخر، با وقاحتی بیش از هروقت دیگر، اظهار نظر کرده اند و حتی بطور مشخص سخن از احتمال (و گاه از ضرورت) - مین گذاری آبهای جنوبی ایران، اشغال جزایر سه گانه تنبها و ابوموسی در دهانه آبراه هرمز، تصرف جزیره خارک و... را به میان کشیده اند، ظاهرا بعنوان وسیله ترساندن جمهوری اسلامی ایران (که میدانند عیب است) ولی باطنا به دو منظور: اول آماده کردن روحیه مردم جهان سرمایه داری (ضمن تبیین آنها) تا اقدام نظامی امریکا علیه ایران را امکان پذیر تلقی کنند و آنرا بقیه در صفحه ۲

در این روزها امریکا، ضمن تهدید به اقدام نظامی مستقیم علیه ایران و تدارک این اقدام نظامی، تمام امکانات خود را بکار گرفته، تا در داخل ایران، همه نیروهای ضد انقلابی بالقوه را بسیج کند، تا شاید بتواند با يك عمل هم آهنگ داخلی و خارجی، انقلاب ایران را بشکند و به مقصود خود - باز پس گرفتن ایران - دست یابد. در مورد ایراد ضربه نظامی از خارج، سخنگویان امپریالیسم هار امریکا (از ریگان و داروسته دولت جدیدش گرفته، تا باصلاح ناظران و مفسران سیاسی در دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم) در روزهای



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۵
شنبه ۲۰ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۳ ربيع الاول ۱۴۰۱، بها ۱۵۰ ریال

تجهیز پاسداران انقلاب، واقعیتی که بارها به آزمایش در آمده است

تجهیز انقلاب در مقابل توطئه های امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب است

اکنون که قریب به ۴ ماه از یورش سفاکانه ارتش صدام حسین بر زمین انقلابی ما میگذرد، هیچکس در این واقعیت تردید ندارد که توطئه ششم امپریالیسم آمریکا را، که بدست داروسته صدام حسین عملی گشت و هدف آن انهدام انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود، خلق انقلابی و فرزندان مسلح جانبازش عقیم گذاردند. در این حماسه و مت، نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران، نقش نمایان و برجسته ای داشتند و علیرغم کاستیها و نارسائیهای که در میزان آمادگی، تجهیزات و سازماندهی آنها وجود داشت و علیرغم وجود کوششهایی - هائی که مقامات مسئول نیز بر آنها تاکید داشتند و تمامی اینها نقش مهمی در تحریک ماجراجویی جایتکاران صدام حسین داشتند - با اینز و فداکاری بیمانند، طرح امپریالیسم آمریکا و رژیم جایتکار صدام را در پیشروی سریع، تسخیر خوزستان و تبدیل آن به پایگاهی برای یورش گسترده تر علیه انقلاب ایران، به شکست کشادند.

در ادامه هجوم نیروهای انقلاب به متجاوزین:

نیروهای انقلاب مواضع دشمن را در گیلانغرب، از زمین و هوا زیر آتش گرفتند

دشمن در این منطقه ۴ کیلومتر مجبور به عقب نشینی شد.
دشمن متحمل ضربات دیگری شد.

دزفول، بوشهر و ایلام تجاوز کردند که در نتیجه تیراندازی آتشبارهای پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مجبور به فرار شدند. همچنین در نتیجه دی) هواپیماهای دشمن به مناطق

مجرع شد. همچنین در منطقه سومار درائی اجرای آتش توپخانه دشمن متجاوز، یک تن از پرسنل جانباز ارتش اسلام شهید و یک تن مجروح شد. ۶- پریروز (۱۷ دی) هواپیماهای دشمن به مناطق

نیروهای انقلاب در ادامه یورش خود به دشمنان متجاوز ضربات جدیدی بر آنها وارد آوردند و به پیشرفتهای دیگری دست یافتند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه ۳۶۸ خود قسمتی از عملیات نیروهای انقلاب را در روز ۱۸ دی، اعلام کرده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است: ۱- در جاده ماهشیر - آبادان با اجرای آتش موثر بر مواضع نیروهای صدام مزدور ۴ دستگاه تانک، ۶ دستگاه خودرو، یک قبضه توپ ضد هوایی و ۴ سنگر دشمن منهدم شد و حدود ۴۸ تن از نفرات دشمن به هلاکت رسیدند. ۲- رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران در جاده دارخوین - مارد ۲ قبضه توپ خمسه خمسه، ۳ سنگر تانک و یک دستگاه خودروی دشمن را به آتش کشیدند و تعداد ۵ تن از افراد ارتش عراق را به هلاکت رساندند. ۳- بمباراد دیروز یک فروند هلی کوپتر هوا - نیروز مورد حمله ۲ فروند میگ عراقی قرار گرفت که به ملخ هلی کوپتر آسیب وارد شد و هر دو خلبان تیزپرواز هلی کوپتر سلم هستند. ۴- در منطقه اهواز برای تیراندازی توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران محل استقرار اسکوی پرتاب موشک ارتش عراق منهدم و ۲ دستگاه کامیون حامل مهمات موشک طعمه حریق شد. همچنین در یکی از جبهه های جنوب یک سنگر توپ ۲۳ میلیتری دشمن بکلی نابود شد. ۵- نبرد در جبهه های کرخه با تبادل آتش ادامه دارد. در این جبهه ۲ تن از هوپتان غیر نظامی شهید شدند و یک تن دیگر زین

«پرسش و پاسخ»
نورالدین کیانوری
دربار توطئه های جدید و خطرناک
امپریالیسم امریکا باید پیش از پیش
هشیار و متحد بود!
صفحه ۳

در صفحات بعد
زندگی نوین در کامپوچیا
صفحه ۸
خلق السالو اور در راه آزاد کردن
خود از اسارت امپریالیسم امریکا
به پیش می رود
صفحه ۶
شگرد فتوئدالها برای جلوگیری از
اجرای قانون اصلاحات ارضی
چيست؟
صفحه ۵
کارگران موزائیک کار بوشهر:
تا آخر با امریکا مبارزه می کنیم
صفحه ۴

خواب کن، حمله نظامی کن!

باردیگر حربه زنگ زده امپریالیسم آمریکا بکار افتاده است. در همان حال که امپریالیسم آمریکا آشکارا به ایران جنگ و دندان نشان میدهد و مقامات مسئول کشور خیر از تدارک حمله مستقیم نظامی آمریکا به ایران میدانند، امپریالیسم آمریکا برای منحرف کردن نظر مردم از خطر اصلی، باردیگر خطر موهوم «شوروی» را تبلیغ می کند. این همان سیاست قدیمی «خواب کن، کودتا کن» است، که حالا بصورت «خواب کن، حمله نظامی کن»، به سناریوی روز محافل امپریالیستی تبدیل شده است. کسانی هم در ایران - دانسته و نادانسته - به اجرای این سناریو کمک می کنند:
فرمان از ستاد مرکزی امپریالیسم
«ایران یک همسایه شمالی (شوروی) دارد، که پیوسته از جنبه های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است.»
(برژینسکی - اطلاعات - ۸ دیماه ۱۳۵۹)
اجرا توسط مزدوران

دار آذربایجان گزارش میرسد که روسها دست به نقل و انتقال فکراکننده نیروهای خود در مرز ایران زده اند و طی روزهای اخیر لشکری تازه ارتش سرخ را در اطراف مرزهای ایران مستقر کرده اند. این گزارشها حاکی است که هواپیماهای شوروی چندین بار وارد آسمان ایران شده و مأموریتهای جاسوسی انجام داده اند. ارتش شوروی همچنین پل های فلزی بر روی رود مرزی ارس نصب کرده است.
(راديو بختیار - شنبه ۲۳ دیماه ۱۳۵۹)
«روسیه در مرزهای ما: هواپیماهای جاسوسی میفرستد، راهپا را باز میکند، پل فلزی میزند، رفت و آمدهای مشکوک انجام می دهد، دستجات وابسته را سازمان میدهد... دولت جمهوری اسلامی باید با جدیت این امور را مورد تعقیب قرار دهد و به طور مستقیم و در مجامع بین المللی دست به افتخاری و اعتراض بزند و مردم استقلال خواه و عزم آمیزین دوست ما را برای دفاع بسیج نماید. سکوت در برابر این توطئه ها خیانت است.»
(«رنجیر» - ارگان گروهک آمریکاییکن ساخته، «رنجیران» - ۱۴ دیماه ۵۹)
چه کسانی به کمک می آیند
«شوروی بدین خیال که به مرور و با جنگ فرسایشی میتواند خوابهای گذشته خویش را تحقق بخشد و به آبهای گرم دسترسی پیدا کند، با ادامه جنگ موافق است و بدان دامن میزند.»
(میزان - شماره ۴۹)
در نظر اول چنین مشهود است که جنگ ایران و بقیه در صفحه ۲

رای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

تغییر توازن...

بقیه از صفحه ۱

پذیرند. و ثانیاً به ضد انقلاب ایرانی، به ویژه در داخل ایران، دل دهند، تساهل و جسورتر عمل کنند.

در مورد بسیج نیروهای ضدانقلابی داخل ایران، مشهود است که آمریکا در این اواخر، همه امکانات خود را برای استفاده از همه نیروهای که، بنحوی از انحاء، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، نمی خواهند یا نمی توانند با انقلاب همگام باشند و برای راندن همه نیروهای قابل راندن به جبهه ضدانقلاب، مورد بهره برداری قرار داده تا به نوشته روزنامه «تایمز» لندن - «توازن نیروها» را در داخل ایران بسود جبهه ضدانقلاب و به زیان جبهه انقلاب، «تغییر» دهد.

بدینسان، نقشه آمریکا برای شکستن انقلاب ایران روشن است و دو طرف دارد: از یکسو تغییر دادن «توازن نیروها» در داخل ایران بسود ضدانقلاب، و از سوی دیگر ایراد ضربه نظامی از خارج. این نقشه بطور کلی تازگی ندارد، ولی بطور مشخص تازگی آن در اینست که علناً اعلام میشود، آنهم بدلیل اینکه آمریکا چاره‌ای نمی بیند، جز آنکه «به سیم آخر» برزند.

نقشه بطور کلی تازگی ندارد. اره‌مان فردای پیروزی انقلاب بزرگ و شکوهمند ایران، حتی قبل از آن، در آنهنگام که انقلاب سرعت نضج میگرفت، آمریکا کوشید که از یکسو با بکار بستن انواع شیوه‌ها، آرایش قوا، یا «توازن نیروها» را بسود ضدانقلاب «تغییر» دهد، و از سوی دیگر به تدارک نظامی پرداخت، تا اگر نتواند (قبل از پیروزی انقلاب) حرکت انقلاب را از «بستر» خود خارج کند، و یا (بعد از پیروزی انقلاب) آنرا مسخ کند و با ایراد ضربه نظامی آنرا بشکند. از روی همین نقشه کلی بود که قبل از پیروزی انقلاب، آمریکا برای «تغییر توازن نیروها» بسود ضدانقلاب، وعده «فضای باز سیاسی» را مطرح کرد، «مرغ طوفان» یا «سوسیال-دموکراسی» اش، را بروی صحنه آورد و ضمناً، بنابه اعترافات سولیوان، سفیر سابق آمریکا در ایران، در کار تدارک ایراد ضربه نظامی بصورت کودتای خونین بود. بعد از پیروزی انقلاب نیز - چنانکه

یادآئیم - نقشه آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران همیشه دو طرف داشته است: از یکسو کوشیده است با کارشکنی‌ها توسط ضدانقلاب متشکل، با استفاده از سازشکاری بورژوازی لیبرال ایران، با ایجاد بلواها و شورشهای ضدانقلابی، با ایجاد دشواریهای اقتصادی و مالی، از طریق محاصره اقتصادی و بلوکه کردن دارائیهای ایران در خارج، برای دامن زدن به بیبیکاری و تورم و گرانی و ایجاد نارضایتی، با تبلیغات عنان گسیخته علیه انقلاب ایران و ... «توازن نیروها» را بسود ضدانقلاب در داخل ایران «تغییر» دهد؛ و از سوی دیگر همواره در صدد برآمده است که با اقدام نظامی بصورت‌های گوناگون: تهاجم ماجراجویانه نظامی طیس، کودتای نظامی ۱۸ تیرماه و بالاخره حمله گسترده ناگهانی دارودسته سدام، انقلاب ایران را بشکند و جمهوری

اسلامی ایران را براندازد. پس نقشه آمریکا، که اخیراً اعلام شده و مشتمل بر «تغییر توازن نیروها» در داخل ایران بسود ضدانقلاب و ایراد ضربه نظامی مستقیم از خارج است، بطور کلی تازگی ندارد. ولی تازگی آن بطور مشخص در اینست که، در داخل ایران، آمریکا تمام «ذخائر» ضدانقلابی خود را بکار گرفته، تا «توازن نیروها» را بسود ضدانقلاب برهم زند، و از خارج نیز ضربه نظامی باید بصورت یک حمله مستقیم نظامی آمریکائی (و یا یک حمله گسترده نظامی توسط دولتهای دست‌نشانده منطقه‌ای) انجام گیرد. شکست این نقشه در خود آن مستتر است، زیرا این نقشه وقتی تحقق پذیر است که در دو عرصه، هم در داخل و هم در عرصه منطقه‌ای (و دقیق‌تر، در عرصه بین-المللی) «توازن نیروها» بسود آمریکا تغییر کند، که هر دو را آمریکا میتواند آرزو کند و میتواند در راه رسیدن به آنها بکوشد و خود را به آب و آتش بزند، ولی هیچیک از آنها را نمیتواند تحقق بخشد.

«تغییر توازن نیروها» بسود ضدانقلاب، در داخل ایران، امکان پذیر نیست، زیرا انقلاب بطور کلی در ایران روبه تعمیق است. تعمیق انقلاب، یعنی تصرف تدریجی مواضع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته و زمین‌داری بزرگ و نیز تصرف مواضع بورژوازی لیبرال سازشکار ایران، که دیگر خود را بصورت «جبهه صاف‌گن» ضدانقلاب و آمریکا معرفی کرده است و در نتیجه، دیگر نمیتواند نقش «بل» میان انقلاب و ضدانقلاب را ایفاء کند. همین تعمیق انقلاب باعث شده که ضدانقلاب به جنب و جوش بیشتری بیفتد، یعنی جنب و جوش ضدانقلاب، نه نشانه قدرت ضدانقلاب، بلکه نشانه ضعف بیشتر آنست. یعنی «توازن نیروها» به بسود ضدانقلاب، بلکه بسود انقلاب همواره رو به «تغییر» است و نه برعکس، یعنی توده‌های میلیونی زحمتکشان و متوسطان شهر و ده همواره با صنف فشرده‌تر و اراده‌متمم‌تری در جبهه انقلاب قرار میگیرند و نه برعکس. یعنی جبهه ضدانقلاب بدلیل احساس فرارسیدن روز شکست قطعی و نهائی خود، فماتر و هارتر شده است و نه برعکس. یعنی آرزو و تلاش آمریکا برای تغییر «توازن قوا» بسود ضدانقلاب، آرزو و تلاش‌بشی است.

«توازن نیروها» در منطقه (دقیق‌تر، در عرصه بین‌المللی) نیز دیگر هرگز بسود آمریکا (امریالیسم، بسرکردگی آمریکا) «تغییر» نخواهد کرد. البته جناح‌های جنگ طلب و جنگ افروز امریالیسم، بسرکردگی آمریکا، میتواند تشنج بیافریند، میتواند مسابقه تسلیحاتی را دامن زند، میتواند میلیاردها بر میلیاردها دلار به بودجه نظامی بیافزاید، میتواند برای راندن مجدد جهان به دوران «جنگ سرد» تلاش کند، ولی هرگز نخواهد توانست «توازن نیروها» را بسود خود «تغییر» دهد. «توازن نیروها»، که بعد از جنگ دوم جهانی بمدت نزدیک به ۲۰ سال بسود امریالیسم، بسرکردگی آمریکا، بود بتدریج به زیان امریالیسم تغییر کرد، بدلیل اینکه از یکسو کشورهای سوسیالیستی، و در پیشاپیش آنها اتحاد شوروی، پس از ترمیم خرابیهای جنگ،

در راه رشد موزون و سریع دبی بحران خود گام نهادند و در این راه شتابان به پیش رفتند؛ جنبشها و انقلابهای آزادیبخش ضدامریالیستی گسترش یافتند؛ دهها کشور زنجیر اسارت استعماری را گسستند و در راه رشد مستقل گام نهادند؛ جنبشهای کارگری در سراسر جهان سرمایه‌داری توسعه بی‌سابقه یافتند و کراتر به دژ سرمایه انحصاری امریالیستی یورش بردند. این روند رشد توانائی روزافزون جبهه ضد-امریالیستی جهانی همواره با شتاب بیشتری جریان دارد. و از سوی دیگر، سرمایه‌داری امریالیستی، پس از مدت کوتاهی که بعد از جنگ «لترائی خواند»، پا به مرحله سوم بحران عمومی مزم خود نهاد، که هر روز عمیق‌تر شد و عمیق‌تر میشود و مظاهر آن در بیکاری میلیونها زحمتکش، در تورم روزافزون، در گرانی کمرشکن برای زحمتکشان، در نیازمندیهای روزافزون مسکن، بهداشت، آموزش و غیره - که در سرمایه‌داری امریالیستی برآورده شدنی نیست - در گنداب عفن سیاست دولتهای امریالیستی، در «حقوق بشر» نوع امریکائی، در نظامیگری افسارگسیخته، در جنگ افروزی - های ددمشانه، در چهره فاشیستی «دموکراسی» غربی، بویژه امریکائی، در انحطاط بی‌سابقه اخلاقی، در افزایش حیرت‌انگیز جنایتکاران و جنایتکاری و ... مشهود است. «توازن نیروها» بنحوی بی-برکت و برای همیشه بزبان امریالیسم، بسرکردگی آمریکا، «تغییر» کرده و هیچ تلاش مذبحخانه‌ای قادر به تغییر مجدد آن بمعقب نیست.

پس نقشه آمریکا بر مبنای دو آرزو طرح شده: یکی «تغییر توازن نیروها» در داخل ایران و یکی «تغییر توازن نیروها» در خارج از ایران، که هیچکدام امکان پذیر نیست. ولی آیا، با این وجود، میتوان خطر آمریکا را منتفی دانست؟ نه، نمیتوان! تجربه، بویژه در دوران اخیر، نشان داده است که ماجراجویی همواره بیشتر به «خط» ملاحظه در سیاست امریالیسم آمریکا بدل شده است؛ یعنی آمریکا معمولاً آرزوهای خود را بجای واقعیت میکندارد خود را به آب و آتش میزند، به سیم آخر میزند و مذبحخانه به تلاش برمیخیزد، تا «آب رفته را بجوی بازگرداند»، لذا ما باید آماده باشیم، همه جانبه آماده باشیم، بدون کمترین تعلل و مسامحه، بدون کمترین فوت وقت، چنان آماده شویم و آماده باشیم که اگر آمریکای جنایتکار دست خود را بروی ما بلند کرد، دست او را، فرود نیامده، بشکنیم. و اگر چنین آماده شویم و آماده باشیم، چه بسا آمریکا جرات نکند که دست بروی ما بلند کند؛ بخورد بیچند، کف بردان آورد، چون بلنک زخم خورده بفرد و چنگ و دندان نشان دهد، ولی نتواند حمله‌ور شود.

در حال، ما باید چنان آماده باشیم که امریالیسم هار و جنایتکار آمریکا یا جرات نکند بر ما چنگ اندازد، و یا اگر انداخت، چنگالش شکسته شود، و چنان درد آور شکسته شود، که چگونه بعد از ویتنام، بمدت درازی، خود چنگال شکسته خود را از شدت درد و خشم بجود.

مجمع عمومی کادر آموزشی و اداری دانشگاه صنعتی شریف

توطئه گروه‌های ضدانقلابی علیه «جهاد دانشگاهی» را محکوم کرد

در قطعنامه همچنین آمده است:

«مجمع خواستار رسیدگی فوری به امور وابستگان رژیم سابق و افرادی که در جهت مخالفت با انقلاب اسلامی توطئه نموده و به نطالفا الحیل همکاری را از خدمت به انقلاب و مین باز داشته‌اند بوده و خواستار طرد هر چه سریعتر این افراد از جامعه دانشگاهی می‌باشد.

مجمع لزوم مشارکت هر چه بیشتر دانشگاهیان را در امر برنامه‌ریزی و بازسازی صنایع حیاتی مملکت مورد تأیید قرارداد، از ریاست دانشگاه می‌خواهد در چهارچوب مصوبات قانونی نسبت به صدور احکام کادر آموزشی در سازمانها و ارگانهای مورد نیاز مملکت اقدام نماید.»

بدینال اغتشاشات اخیر دانشگاه صنعتی شریف از سوی گروه‌های مشکوک و ضدانقلابی علیه «جهاد دانشگاهی» این دانشگاه، و در جهت زمینه‌سازی برای درگیری و تشنج در تمامی دانشگاههای ایران، مجمع عمومی کادر آموزشی و اداری این دانشگاه، جلسه‌ای در تاریخ ۱۸ آذر ۵۹ تشکیل داد و با صدور قطعنامه‌ای، این فعالیتهای مخرب را محکوم کرد.

قطعنامه ارجله خاطر نشان می‌سازد:

«مجمع عمومی مخالفت با جهاد دانشگاهی را نمونه‌ای از توطئه‌های آشکار و پنهان به نحرک گروه‌های ضدانقلاب بر علیه ارگانهای انقلابی می‌داند و توطئه‌های تفرقه افکنانه‌ای را که در این زمان سر نوشت ساز در گوشه و کنار مملکت تدارک دیده می‌شود، محکوم می‌کند.»

متحد... بايست گشتن

آنکه خواهد نوجوان را لاله‌گون پیکر بسازد همسران را بیوه غمگین بی شوهر بسازد کودکان بی‌کنه را دور از مادر بسازد

آنکه خواهد خاک ما را جز غبار غم نبیند تا ز دشتستان خونین لاله نوریس بچیند بعد قتل‌عام ما برمسند قدرت نشیند

آنکه خواهد خاک ایران را به ویرانی کشاند چهل و فقر و رنج را در میهن ما درنشانند تا سمند بخت را برجان ما خوشتر براند

آنکه خواهد تا زتاراج غنائم زنده باشد خودکند آقائی و ملت بی‌پایش بنده باشد پای او بر فرق ما، سر از تن ما کنده باشد:

حاضر رزم چنین خصمی به جد بايست گشتن بر هجوش بی‌درنگی متحد بايست گشتن ع. کیلانپور

«باند قاسملو» ساواکیها را برای همکاری علیه انقلاب میپذیرد

است. نامبرده بعد از انقلاب، توسط «حزب دمکرات کردستان» دستگیر میشود، ولی بعد از سه ماه موفق به فرار میگردد. علی بهرامی بعد از فرار، با تعدادی از بستگانش در «باند قاسملو» پاسداران مستقر در «باند» برای خدمت در کمیته، معرفی میکند. وی بعد از دو ماه فعالیت در کمیته در تاریخ ۱۰/۳/۵۹، به همراه ۱۳ تن از همراهان، مخفیانه از کمیته فرار میکند و به «باند قاسملو» ملحق میشود، که البته با استقبال گرم «باند قاسملو» مواجه میگردد.

«علی بهرامی» مشهور به «علی‌خان بگ»، که مشخصات وی به‌عنوان ساواکی از طرف سپاه پاسداران و «باند قاسملو» سندی منتشر شده است، اخیراً به «باند قاسملو» پیوسته است، تا در عملیات ضدانقلابی و خرابکاری‌ها آنان همکاری کند.

علی بهرامی، که از طایفه فتودلهای «بهرامی» است، در رژیم طاغوت، مسئولیت نظامی مزدوران محلی را برعهده داشته

خواب کن...

بقیه از صفحه ۱

عراق یک فرصت طلایی برای اتحاد شوروی فراهم آورده است. شوروی‌ها در حال حاضر تنها نیروی خارجی با قدرت هستند که در این منطقه از جهان برای دخلت در جنگ میانجیگری از پیش حاضر و مهیا گردیده‌اند. اگر فقط یکبار روسیه شوروی فرصتی برای ابتکار عمل داشته باشد، اکنون در خلیج فارس است. (همانجا)

درستی بیش از یک قرن و نیم از معاهده‌های تنگین ترکمن‌چی و گلستان میگردد، بحرانی که در آن موقع در ایران بود، باعث از بین رفتن شیرازه‌هایی گشت که تمامیت ارضی کشور را حفظ میکرد. هجوم سازمان یافته قدرتهای شرق و غرب به ایران، ایرانی را از فکر و خلاقیت بازداشت و شد آنچه که شد، و از ممالک محروسه ایران نیمی بیش باقی نماند. درباره جمهوری‌های اسلامی شوروی، که در زیر لوای کفر دست و پا میزنند، باید کاری کنیم.»

(از سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی ۸ دیماه ۱۳۵۹ - صفحه ۲، که با جمله «بدین امید» پایان می‌یابد)

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

و فلسفه هم‌میزان نیست، هیچ علمی میزان نیست. آن علمی میزان است و آن علمی برای بشر سعادت است که تربیت در او باشد... ساده‌اندیشی است که ما گمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طوری که می‌خواهند باشند باید بیایند و ما از شان استفاده کنیم. استفاده نمی‌توانیم بکنیم... اگر علم باشد و ترکیه نباشد همان رژیم سابق پیش می‌آید و همین رژیم سدام. امام در پایان سخنان خود خاطر نشان کردند:

«من اعلام می‌کنم که هر کس از افراد ملت ما اسلحه را کنار بگذارد و بیاید در ملت ما وارد بشود مثل سایر افرادی که هستند، آنها در پناه اسلام محفوظ هستند ولی ما اینقدر ساده‌اندیش نیستیم که کسانی که اسلحه دارند و اتاق جنگ دارند، آنها راه‌بردار بکنیم در بین کشور خودمان و شغل به آنها بدهیم و معلمشان کنیم و یا در وزارتخانه‌ها ببریم. اسلحه داشتن دلیل برخیزان است و توطئه... هر کس از این جناحهای داخلی که تاحالا شرارت کردند و مشغول شرارتند، دست بردارند و اسلحه‌ها کنار بگذارند، و در دامن ملت وارد بشوند، آنها را می‌پذیریم.»

دور ابر توطئه‌های جدید و خطر ناک امپریالیسم آمریکا باید پیش از پیش هشیار و متحد بود!

نورالدین
کیانوری
پرستش
و پاسخ



- از متخصصین، به شرط آن که علیه انقلاب اقدام نکنند، با نظارت دقیق مسئولان مؤمن به انقلاب بر فعالیت اجرایی آن‌ها، می‌توان استفاده کرد
- در شرایط کنونی که سرمایه داران بخش خصوصی، کارگران را استثمار می‌کنند، شعار ضرورت افزایش تولید از نظر اصولی چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟
- آیا امکان گشایش جنبه جنگ تازه‌ای از سوی امپریالیسم تجاوز کار آمریکا علیه ایران وجود دارد؟
- باز هم درباره مسئله چگونگی موضع گیری‌های طبقاتی

سرنوشت انقلاب بیمناک شده‌اند. در این تردیدی نیست. ماحتی در گفته‌های شخصیت‌های برجسته جمهوری اسلامی نیز این نگرانی را احساس می‌کنیم و می‌بینیم. آثار توطئه امپریالیسم کاملاً دیده می‌شود، تدارکات برای توطئه‌های تازه هم کاملاً دیده و حس می‌شود. اطلاعات دقیقی می‌رسد در باره این که ضد انقلاب خیلی فعال شده، خیلی جسور شده، خیلی با بی‌شرمی عمل می‌کند. امپریالیسم هم از مرحله گول زدن و شیرینی نشان دادن به مرحله نشان دادن دندان تیز زهرآلود خود قدم گذاشته است و تهدیدات خیلی جدی می‌کند. خوب این نگرانی هست.

از طرف دیگر، اختلافاتی که در مقامات بالای جمهوری اسلامی وجود دارد، یعنی به‌طور روشن در بین آقای رئیس جمهور از یک سو و هیات دولت و اکثریت مجلس از سوی دیگر اختلافات خیلی جدی و عمیق وجود دارد. با وجود رهنمودها و هشدارهای مکرر امام برای این‌که ناهم‌بندگان این اختلافات را کنار بگذارند و همه در جهت تفاهم قدم بردارند، ما می‌بینیم که هیچ‌اثری از حتی تخفیف این اختلافات به چشم نمی‌خورد. بنابراین این نگرانی به‌جاست. ولی آیا این نگرانی تا این حد است که ما نسبت به سرنوشت انقلاب جدا نگران باشیم؟ سؤال کننده‌مدعی است که ارتش در خط امام نیست. ما چنین عقیده‌ای را نداریم و نمی‌توانیم با چنین قاطعیتی بگویم که ارتش در خط امام نیست، واقعیت مسلم این است که در داخل ارتش عناصری هستند که در خط امام نیستند. این عناصر ممکن است که حتی مسئولیت‌های مهمی هم داشته باشند. در کادر فرماندهی ارتش و در میان افسران و نمایان لیبرالی و حتی تمایلات منفی تراز تمایلات لیبرالی وجود دارد و این واقعیتی است که نمی‌شود آن را منکر شد. همین که نماینده امام در شورای عالی دفاع، حجت‌الاسلام خامنه‌ای، بطور صریح گفته است، که خیانت‌ها وجود دارد، کم‌کاری‌ها وجود دارد، سستی‌ها وجود دارد و مقداری از آن‌ها ممکن است که حتی آگاهانه هم باشد، خوب این نشان می‌دهد که این عامل منفی هست.

ولی این‌که این عامل به عامل تعیین کننده تبدیل شده است، ارتش یگانه در دست این‌گونه عناصر است و می‌تواند در جهت هدف‌های آنها وارد عمل شود و آنقدر انسجام دارد که بتواند نیروهای مقاومت متشکل از مردم و پاسداران را که الان وجود دارند قطع و قطع کند، ما با چنین دیدی، با چنین ارزیابی موافق نیستیم. ما معتقد هستیم که با وجود چنین عناصری در ارتش یا در یک‌سایر عینی از ارتش، در مجموع خود به‌هیچ وجه در راه مخالف خط امام نیست، بلکه اگر سربازها، درجه‌داران و افسران را در مجموع خود به عنوان ارتش قضاوت کنیم، ما معتقد هستیم که فعلاً چنین چیزی نیست. ممکن است که این‌جا و یا آن‌جا گروه‌های معینی بتوانند به اقدامات ماجراجویانه‌ای دست بزنند، ولی به این که ارتش در «مجموع در جهت» مخالف خط امام وارد یک عمل ماجراجویانه ضد انقلابی بشود، به نظر ما چنین امکانی وجود ندارد. به نظر ما نیروهای ارتش جمهوری اسلامی و انقلاب آن قدر که این برادر سؤال کننده نگران است، ضعیف نیستند.

در همین هفته‌های اخیر دو تظاهرات، یکی در روز عاشورا و دیگری در روز اربعین انجام شد، که قدرت وسیع خلق را نشان داد. خیلی‌ها این طور می‌خواستند وانمود کنند که تظاهرات روز عاشورا در واقع تظاهرات نیروهای بوده است که در جهت مخالف خط امام قرار داشتند. یعنی همه هوادار محتوای همان سخنرانی بودند که در روز عاشورا انجام گرفت. جریان اربعین نشان داد که این درست نیست. درست است که مقداری از نیروهایی که در روز عاشورا شرکت داشتند و در جهت معینی به آن رنگ دادند در جریان اربعین شرکت نکردند. ولی جریان تجمع اربعین نشان داد که آن حساب روز عاشورا، حساب درست نبوده است. مسلم این است که لااقل قسمت خیلی بزرگی از آن کسانی که در تظاهرات اربعین شرکت داشتند در تظاهرات روز عاشورا هم شرکت کردند و این طور نیست که دو نیروی کاملاً مخالف در تظاهرات ناسبرده شرکت داشتند.

به این ترتیب ما معتقد هستیم در این حساب‌های درباره تناسب نیروها در داخل جامعه ایران، نباید گول بعضی تبلیغات را خورد. به نظر ما در داخل ایران، همان طور که من بارها گفته‌ام، نیروی کافی برای دفاع از انقلاب وجود دارد و بسیار هم قوی است. تغییراتی که در همین چندماه اخیر در سیاست مقامات حاکمه کشور پیدا شده است و نمونه‌های آن را در زمینه سیاست خارجی و اقتصادی می‌بینیم، تغییرات جدی است که بدون داشتن یک پشتوانه بزرگ مردمی و خلقی نمی‌توانست انجام بگیرد. برای این که ما می‌دانیم که نیروهای مقاومت در مقابل این تصمیمات هم خیلی با جسارت می‌خواهند جلوی چنین تصمیماتی را بگیرند ولی به آسانی برایشان ممکن نیست. به این ترتیب است که ما در این بدبینی این دوست مسلمان به هیچ وجه شریک نیستیم و معتقد هستیم که نیروهای انقلابی هوادار سمت‌گیری‌ها و هدف‌های عمده انقلاب ایران هنوز بسیار در کشور نیرومند هستند و می‌توانند جلوی هر توطئه‌ای را بگیرند. چنان‌که مقامات جمهوری اسلامی دچار ارزیابی‌های غلط و اشتباهات جدی نشوند چنین خطری متوجه انقلاب ما و جمهوری اسلامی نیست.

البته ممکن است درگیری‌های جدی پیدا بشود بحران‌هایی پیدا

مستقل مطرح است، آن وقت به اهمیت حیاتی بالا بردن تولید در شرایط فعلی بی‌نیاز نیست. کارگران انگلستان در دوران جنگ، همگی در مقابل مطالبی بزنیم. کارگران انگلستان در دوران جنگ، همگی در مقابل سرمایه‌داران قرار گرفته بودند. حتی نه این طور مثل ایران که ۷۵ درصد کارخانجات دولتی است و دولت هم در جهت جبهه ضد امپریالیستی قرار گرفته است. در مقابل انحصارهای بزرگ سرمایه‌داری امپریالیستی. خوب حالا کارگران انگلستان در جنگ ضد فاشیسم، اگر به نفع این دوستان گروش می‌دادند، می‌باید کم‌کاری می‌کردند، اعتصاب می‌کردند، تولید را می‌خوابانند. و می‌گذاشتند فاشیست‌ها بیایند و کشور انگلستان را بگیرند و در تحلیل نهایی به سرمایه‌دار انگلیسی کمک کنند که سود خود را چند برابر کند!

این است که ما همیشه جهت عمده یک پدیده را مبنای قضاوت برای تصمیم‌گیری‌های خود قرار می‌دهیم. ما می‌گوییم در این که تولید بیشتر در شرایط کنونی سود بیشتری را برای سرمایه‌دار ایجاد می‌کند، ولی یک جنبه مثبت بزرگ‌تری هم دارد. آن، این است که مقاومت ما را در برابر تحریم و محاصره اقتصادی امپریالیسم افزایش می‌دهد.

این‌جا هست که طبقه کارگر ایران می‌باید به این کار تن دردهد. در عین حال که به نظر ما طبقه کارگر ایران الان امکانات این را دارد که جلوی غارتگری‌های بزرگ سرمایه‌دارها را بگیرد. طبقه کارگر ایران می‌تواند در همان موسسات محدودی که هنوز در اختیار سرمایه‌داری هست، نگذارد که این غارتگری سرمایه‌دار به آن حدی برسد که واقفا تمام سود اضافه تولید به جیب سرمایه‌دار برود. به این ترتیب به نظر ما این شکاری که حزب داده، شکاری است که در جهت خط مشی تاکتیک عمده ما است برای تقویت جبهه ضد امپریالیستی، که یکی از عناصر مهم آن عبارت است از بالا بردن امکانات اقتصادی داخلی کشور، چه در مسئله کشت، چه در مسئله بالا بردن تولید، چه در مسئله به‌کار انداختن تمام امکانات برای تقویت مقاومت عمومی در مقابل امپریالیسم.

در این چارچوب است که ما باید مسائل را برای عناصر کمتر آگاه، برای عناصری که گمراه شده‌اند، توضیح بدهیم، و از این هم نترسیم که وقتی ما شمار صحیح می‌دهیم، این شمار صحیح را مدت‌های طولانی حتی نیروهایی که این شمار به نفع آن‌ها است و با تمام موجودیت آن‌ها بستگی دارد، نمی‌فهمند. دوستان برای این مسئله همیشه یک شمار را مثال می‌زنم. چند سال است که این شمار در دنیا هست که «کارگران همه کشورهای متحد شوید؟» الان ۱۳۳ - ۱۳۲ سال. ولی خوب هنوز همه کارگران همه کشورهای متحد نشده‌اند. این عدم تحقق این شمار که دلیل عدم تحقق آن نیست! یعنی ممکن است شما شعارهایی بدهید که کاملاً درست باشد و در یک دوران طولانی، همان کسانی که این شمار با تمام تاروپودشان، با زندگی آن‌ها، در ارتباط است آن‌را نپذیرند، «سپار درستی» شعارها حتی این نیست که همه کارگرها بلافاصله این شمار را درک کنند. ما شمار را با درک مجموعه مسائل سیاسی انتخاب می‌کنیم، گروه‌های چپ‌گرای مردم فریب درست مخالف این عمل می‌کنند. برای کارهای انحرافی خود می‌روند آن چیزی را انتخاب می‌کنند که توده‌ها ممکن است خیلی ساده آن‌را بپذیرند ولی هدف این گروه‌ها عبارت است از تضعیف جمهوری اسلامی در مقاومتی که در مقابل امپریالیسم نشان می‌دهد، حزب واقعی طبقه کارگر چنین کاری نمی‌تواند بکند، نمی‌تواند طبقه کارگر را گول بزند و برای جلب موافقت آن‌ها در یک لحظه کوتاه مقاومت جمهوری اسلامی را تضعیف کند. امپریالیسم که قوی شد تمام هواداری طبقه کارگر از حزب ما هم نمی‌تواند ما را در مقاومت پاری کند. ما خوب می‌دانیم که به هنگام موفقیت کودتای ۲۸ مرداد حزب توده ایران در طبقه کارگر ایران نفوذ خیلی زیاد داشت. ولی با این همه، تسلط فاشیسم نظامی - امپریالیستی باعث نابودی تمام جبهه مقاومت شد.

از این رو هدف ما پیروزی ارزان و موقت نیست. کوشش ما باید این باشد که به کارگرانی که این مسائل برایشان مطرح می‌شود و مسلماً با حسن نیت هم مطرح می‌شود با حوصله توضیح بدهیم. از این هم نباید ناراحت شد که ممکن است فریبکاران به‌طور عوقت «موفقیت» «ها» به دست آورند و بعضی از کارگران موضع ما را درک نکنند. برد نهایی با طرفداران واقعی طبقه کارگر و مصالح آن است.

س: (از طرف یک برادر مسلمان) من در نشریات حزب شما خواندم که امکان نشودن جبهه‌های تازه‌ای از جنگ در برابر ایران از طرف آمریکا وجود دارد. من از این بیم دارم که هنوز که سپاه «جهز و آرموده» به سلاح‌های سنگین نیست و ارتش هم در خط امام نیست و موج تفرقه‌میسان مردم هم از طرف برخی مسئولین ملکتنی دامن زده می‌شود، انقلاب از دست برود. نظر شما در این زمینه چیست؟

ج: در شرایطی که ما در حال دفع یک تجاوز خطرناک امپریالیسم آمریکا و مقابله با یک توطئه وسیع ضد انقلابی دیگر از طرف امپریالیسم و نیروهای ضد انقلاب در ایران هستیم، بسیاری از عناصر و گروه‌های معتقد و علاقمند به سرنوشت انقلاب ایران به حق نسبت به

روز ۱۱ دی‌ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی «پرستش و پاسخ» با حضور رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزار شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه پیرامون مسائل گوناگون مرحله کنونی انقلاب مطرح کردند، پاسخ گفت.

پیش اول و دوم این «پرستش و پاسخ» در شماره‌های گذشته بچاپ رسید و پیش آخر در شماره امروز درج می‌شود.

س: لنین می‌گوید خیلی جاهلانه است اگر فکر کنیم ما می‌توانیم بدون کمک متخصصین بورژوازی به بازسازی بپردازیم (کنگره نهم در سال ۱۹۲۵). در همین تاریخ هزارها متخصص بورژوا در خدمت بودند که برخی از آن‌ها حتی جوایز دولتی گرفتند.

به نظر من شرطی، که در مقاله‌ای در باره دانشگاه‌ها و دانشجوئی در نامه «مردم» (۲۹۵) درباره استخدام استاد آمده است، یعنی ایمان به انقلاب، شرط‌زایدی است. زیرا ما معتقدیم که جامعه نقش عمده در تربیت افراد دارد. اگر زمینه و شرایط جامعه آماده باشد افراد می‌توانند در خدمت جامعه قرار گیرند و لزوماً دلیل ندارد مومن به انقلاب باشند. همین‌که بسیاری از افراد دارای عرق ملی هستند و کشور خویش را دوست دارند کافی است که با کنترل کردن آن‌ها از ایشان استفاده کرد، و این‌که صرفاً این‌ها مغز «غربی» دارند و اگر رفتند بهتر، ما آن‌ها را نمی‌خواهیم، برخورد درستی نیست. لطفاً به این سؤال جواب بدهید.

ج: در پرسش و پاسخ‌های گذشته و در نشریات حزب، ما موضع خود را درباره مسئله تخصص و ایمان روشن کرده‌ام. نظر ما مطابق نظر کسانی نیست که فقط یکی از این دو جهت را می‌گیرند و روی آن تکیه می‌کنند و برای جهت مقابل ارزشی قایل نمی‌شوند. البته ما در این‌جا مسئله را، مثل بعضی‌ها، این طور مطرح نمی‌کنیم که هر کس متخصص بود، «ضد انقلابی» است. ما معتقدیم که در این زمینه بین ضد انقلاب، نیرو-های بینا بینی و نیروهای انقلابی باید تشخیص درست داد. دست‌نیروهای ضد انقلابی را باید، از هر جایی که بتواند صدمه به انقلاب بزند، کوتاه کرد. نیروهایی هم هستند بینا بینی، یعنی به انقلاب اعتقاد ندارند، ته دلشان هم شاید بخواهند که اوضاع ایران به این شکل ادامه پیدا نکند و عوض شود. بسیاری از روشنفکران ما که در دانشگاه‌ها بودند، تئوریست می‌کردند و بسیاری از افراد و گروه‌ها و قشرهای مرفه جامعه ما در جنبه موضع گیری سیاسی - اجتماعی هستند، ولی به‌طور فعال اقدامی علیه انقلاب انجام نمی‌دهند. حتی در شرایط بحرانی هم آماده نیستند که به طور فعال علیه انقلاب سینه‌جوبی کنند، از این‌نیروها باید در کار باز - سازی جامعه ما و اقتصاد ایران حتماً استفاده کرد. این نیروها رانمی‌شود بدون در انداختن، به عنوان این‌که: شما حتماً باید کلاً معتقد به انقلاب باشید، تا این‌که به شما اجازه بدهند بروید مثلاً نقشه ساختمان خانهای را بکشید، یا این‌که طبابت بکنید، یا این‌که درس ریاضیات، شیمی و فیزیک بدهید، یا این‌که در بیمارستان پرستاری کنید. ما این برخورد را نادرست و غیر انقلابی می‌دانیم. این عبارت است از دور کردن، دفع نیروی قابل توجیهی که می‌تواند کارهای مثبت اجتماعی انجام دهد، ولی البته ما جداً معتقد هستیم که تمام مسئولیت‌های گروهی و حساس باید در دست نیروهایی باشد که به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما اعتقاد دارند. چون آن‌جا حساب تصمیم است. آن‌جا حساب این است که تصمیم نگرتن می‌تواند در این جبهه صدمه‌ای خیلی زیاد بزند. حساب اجباراً نیست. اجرا را می‌شود کنترل کرد. ولی تصویب درست گرفتن یا ننگرفتن را به آسانی نمی‌شود کنترل کرد. به همین دلیل است می‌بینیم که حتی پس از انقلاب اکثر دولت انقلابی در جنگ‌های داخلی از افسران تزاری استفاده می‌کرد ولی برای این‌که مبادا تصمیم غلط بگیرد، جنب او یک کیمبر سیاسی می‌گذاشتند. یعنی تخصص و ایمان را با یکدیگر ترکیب می‌کردند.

البته چارچوبی را که ما برای افراد مومن به انقلاب قایل هستیم با چارچوبی که تشرها، بعضی از مسئولان دولتی و برخی دیگر از نیروهای بوئر در جمهوری اسلامی قبول دارند، تفاوت دارد. ما معتقد هستیم که اعتقاد به انقلاب ما و به نظام جمهوری اسلامی، به قانون اساسی، اعتقاد صمیمانه و صادقانه بدون در نظر گرفتن ایدئولوژی افراد، بدون در نظر گرفتن سمت‌گیری سیاسی - سازمانی آن‌ها باید برای واگذاری مسئولیت‌های سیاسی کافی باشد. البته رهبری کنونی جمهوری اسلامی تصمیم گرفته‌است که سمت‌های اساسی و درجه اول مانند وزارت و معاونت وزارت، باید به افراد معینی واگذار شود، این‌را می‌شود قایل فهم دانست، در عین حال که ما عقیده داریم که هستند نیروهای بسیار سالم و معتقد به جمهوری اسلامی و خارج از این چارچوب که می‌توانند لااقل همان قدر برای جمهوری اسلامی و امر بازسازی مفید واقع شوند.

در این مسئله فعلاً تا وقتی که جبهه متحد خلق تشکیل نشده است، تا وقتی که این درک برای نیروهای اسلامی مسئول پیدا نشده است که می‌شود این چارچوب را وسعت داد (همان طور که در کشورهای سوسیالیستی هم عده قابل توجهی از مسئولین از افرادی هستند که ایدئولوژی حزب حاکم بر کشور را ندارند)، کار دیگری نمی‌توان کرد. ولی امید ما این است که ما نیز به چنین جایی برسیم. فراموش نکنیم که در کشور-های مثل الجزایر و بویژه سوریه هم خارج از چارچوب ایدئولوژی حاکم و مسلط، مسئولیت‌های اجرایی سیاسی مهمی به نیروهای دیگری هم صادتانه در جهت انقلاب عمل می‌کنند و واگذار می‌شود.

بنابراین ما با این محدودیتی که برای انتخاب متخصصین به‌عنوان افراد مسئولیت‌دار، قایل می‌شویم، موافق نیستیم. در عین حال که به هیچ وجه ما آن چارچوب لیبرالی دولت کام به‌گام، که به این‌جا ختم شد که آقای ایزدی بزرگ مالک با آن نامه کذابیش، وزیر کشاورزی بشود، موافق نیستیم، معتقدیم که حتی از لیبرال‌ها می‌توان در برخی زمینه‌های اجرایی به عنوان متخصص استفاده کرد. البته به شرط آن‌که فعالیت آن‌ها به‌دقت کنترل شود، تا مبادا صدمه اساسی به انقلاب و جمهوری اسلامی بزنند.

س: در روزنامه‌های حزبی از شمار افزایش تولید حمایت می‌شود، با توجه به این‌که ساختار جامعه کنونی ایران سرمایه‌داری است و افزایش تولید به معنای افزایش سود خواهد بود، گروه‌ها و احیانا کسان دیگری از این پدیده به عنوان مستمسکی برای حمله علیه حزب توده ایران استفاده می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟

ج: در مورد این به اصطلاح «گروه‌ها»، این‌ها از هر بهانه‌ای برای حمله به حزب توده ایران استفاده می‌کنند، اما بپردازیم به افراد سالمی که در این باره صادقانه اشتباه می‌کنند، ببینید ما در شرایط محاصره اقتصادی بزرگترین دشمن استقلال و آزادی نه تنها ملت خود، بلکه تمام بشریت قرار گرفته‌ایم. صحت عملی که ما انجام می‌دهیم از این‌جا معلوم می‌شود که آیا عمل دشمن را خنثی می‌کند یا نه؟ این محک بهترین محک سنجش است. علاوه بر این برای پیدا کردن راه حل برای چنین مسائلی بفرنجی، همیشه باید از کل به جز برویم و نه برعکس. در صورت اخیر، به این نتیجه غلط خواهیم رسید که چون حاجی‌فان در ران فلان کارخانه قرار دارد و تولید بیشتر تنها سود بیشتری را به جیب او سرازیر می‌کند، بنابراین افزایش تولید به ضرر طبقه کارگر است. ولی اگر بگوییم که مسئله انقلاب ایران و از آن جمله مسئله نبرد طبقه کارگر برای محدود کردن سرمایه‌داری، قطع وابستگی اقتصادی به امپریالیسم و پایه‌ریزی اقتصادی

يك سؤال: کارگران موقت چه حقوقی دارند؟

کارگران روزمزد، روز-بروز زندگی می‌کنند، به آنها شناسنامه کارگری داده نمی‌شود، هرچند که عمری را در این سو و آن سو، هر جا که فرصتی یافتند، تنها از زبان کار-آموز و مهارت‌های خویش استفاده کرده‌اند.

کارفرما یا دولتی بوده-است یا مقاطعه‌کار و سرمایه‌داری که به صورت آنان را فقط برای مدتی بردیگر کارگران ترجیح داده است.

چرا؟ برای این که این کارگران هیچ مزایایی ندارند، هر زمان می‌شود بدون کمترین بهانه‌ای آن‌ها را اخراج کرد و آن‌ها نیز بهیچ مرجعی راه ندارند شکایت بجایی نمی‌توانند برد و هیچ خطی از قانون به آنها تعلق ندارد!

تاسف آور است در دناکو فגיע است اما واقعیت است و دردی است که بسیاری از حاکمان میهن ما و در صدها لایه از طبقه کارگر بدان دچارند، آن‌ها مدتی کوتاه در جایی بزمحت کاری دست و پا می‌کنند، بجان می-

کوشند، ساکنه محروم و مطیع‌اند، شاید مکان رسمی شدن و برخورداری از کار دائم برایشان فراهم شود، ولی افسوس! پس از گذشت این مدت کوتاه خیابان دراز و میدان‌های پر-جمعیت، تنها محلی است که به آنها پناه می‌دهد.

همین چندی پیش چهل تن از کارگران شهرداری منطقه ده شمیران اخراج شدند، نمیه این دلیل که کار نبود و نیازی به وجودشان احساس نمی‌شد.

دلیل روشن این اقدام این بود که:

"این‌ها کارگران موقتی هستند، اگر بنا بر نندو سا بقه‌ای پیدا کنند، دیگری می‌شود آنها را اخراج کرد، بنابراین کارگران هر چند ماه یکبار عوض می‌شوند، تا سابقه پیدا نکنند!"

کارگران چه می‌گویند؟ می‌شنویم:

"کار ما پختن آسفالت است، شرکت‌ها و مقاطعه‌کاری‌ها ما را با روزی ۱۵۰ تومان



استخدام می‌کردند. ولی ما به امید آن که زمستان بی‌کار نباشیم و بتوانیم درآمدی داشته‌باشیم، با مزد روزانه ۶۳

تومان به استخدام شهرداری درآمدیم. ولی حالا که اول فصل سرماست، ما را اخراج کرده‌اند و کاری پیدا نمی‌شود. دردی است که هزاران و هزاران کارگر زحمتکش ایرانی در تمام طول عمر خویش و از دیرباز به آن دچار بوده‌اند: رسمی نیستید، پس مزایایی ندارید. حقوق شما همانقدر است که کارفرما "لطف" کند و از سر "خیر خواهی" از جیب خود بپردازد! آنچه که بحساب نمی‌آید، انسان بودن، هموطن بودن، کارگر بودن و تمام نیروی خویش را در خدمت سازندگی و کار برای اجتماع گذاشتن است، تا هر وقت می‌توانند برای رفع گرسنگی جان می‌کنند، و آن‌گاه که در بستر بیماری افتند یا بیری و از کار افتادگی فرارسد هیچکس نیست که در درامهرمی باشد، دارویی تهیه کند، درمانگاهی برای استراحت نیست و خانواده باید بدادید فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم کند.

این سرنوشت محتوم همه

آنان است ولی ظاهراً شای از یک "گناه": نتوانسته‌اند خود را رسمی کنند، و بهتر بگوییم، دروغ‌های هرج و مرج گذشته، شانس آن را نداشته‌اند که حتی از قوانین دوره طاغوت برخوردار شوند.

کاری به گذشته نداریم، کاری به گذشته‌ها رابه گورستان تاریخ سپردیم، فردا را روشن و با-شکوه بسازیم، دیگری باید در جامعه انقلابی، واقعیت زشت و غیر انسانی کارگران موقت وجود داشته باشد.

اکنون که قانون کار تدوین می‌شود، ضرورت تا کیدیر این مساله هر چه بیشتر محسوس است و باید تصریح شود: هیچ کارگری در هیچ جای میهن نباید از دایره شمول و حدود تاثیر این قانون خارج شود. همه کارگران باید بیمه شوند، همه باید از کلیه مزایای قانونی برخوردار شوند و وزارت کار باید خرید را موظف و مسئول نشان دهد که به این ضرورت درنگ ناپذیر، جامعه عمل ببوشاند.



قانونی در کار نیست، نه بیمه و بهداشت، نه دستمزد کافی، اما امیدواری هست و مبارزه!

کارگران موزائیک کار بوشهر: تا آخر با آمریکا مبارزه می‌کنیم

معمولاً از ۲/۵ تا ۱۵ ریال مزد می‌گیرند.

مدیر کارگاه هم از کمی سهمیه سیمان و دیرتجویل دادن آن می‌گوید و توضیح می‌دهد که:

"۴ ماه است پول داده ام ولی هنوز سیمان تحویل نداده‌اند. کارگاه بیمه دو نفر دارد، کارگر و دودستگاه پرس دارد، که یکی از آنها از کار افتاده و خراب است، یکی از کارگران، که خود را غلام معرفی می‌کند، می‌گوید:

"۱۲ سال است که در اینجا کار می‌کنم و پرس کارم. وضع مردمان معلوم نیست، هر چه بیشتر کار کنیم بیشتر پول می‌گیریم، چون کنتراتی کنار می‌کنیم، مثلاً برای موزائیک ۳۰×۳۰ معمولی دانه‌ای ۲/۵ ریال ۳۰×۳۰ مرمز ۵ ریال

دستگاه کار می‌کنم: مشکل مسا گرانی است از صبح تا شب کار می‌کنم، ولی نمی‌توانم یک کیلو میوه برای خانواده‌ام بخرم." او اضافه می‌کند:

"کارم کنتراتی است: به بانک هم بدهکارم و قسط می‌بپردازم. ماهی یکبار هم گوشت نمی‌خورم، گردو خاک و سیمان ما را از خوراک خوردن انداخته. خوراک ما فقط آب است: گر چه بیمه هستیم، ولی رسیدگی نمی‌کنند، به علت شرایط کارم، همداش با درد دارم."

جالب اینکه از ما پرسید که سنی در چه حدود است؟ قیافه و چین و چروکهای صورتش گویای ۵۵ سال بود، ولی در جواب به ما گفت: "من ۲۸ سال دارم."

کارگاه‌ها لیرز: ۳ نفر کارگر دارد، که بدنبال از کار افتادن یک دستگاه پرس در کارگاه کورش، جملگی به این کارگاه آمده‌اند و در این کارگاه، بطور کنتراتی کار می‌کنند، قبلاً با مشکلات و خواسته‌های آنها آشنا شده‌ایم.

متأسفانه از کارگاه‌های سپید، دریا، و تختی، به علت مخالفت صاحبان کارگاه، موفق به تهیه گزارش نشدیم.

امیدواریم که قوانین و ضوابط عادلانه و انقلابی این کارگران را نیز شامل شود و انتظار داریم که مسئولین دولت انقلابی زوان فعال و پاکبازان، انقلاب را دریا بند، بنا بر این، هرگونه بی-توجهی و سهل انگاری در برابر این خطر هولناک، به قیمت خون بسیاری از بیگناهان و جوانان میهن ما تمام خواهد شد.

لذا برای خنثی نمودن این توطئه‌های خائنه لازم است، با کمک همه جانبه، در رفع نا-رسانیه‌های آموزشی، تقویت هوشیاری دانش‌آموزان، ارائه راه‌های صحیح و سریع مشکلات آموزشی، جلوگیری از ایجاد تشنج و خشونت و تلاش همگانی برای حفظ آرامش و امنیت، از تکرار فاجعه‌های گذشته ممانعت نمود و اجازه نداد که با ردیگر جنگ افروزان و دست-نشانندگان امپریالیسم، به بقیه در صفا، ع

مدارس و دانش‌آموزان معصوم کرد را مرکز توطئه‌های ابلیسی قرار داده‌اند، آنان می‌خواهند با به آشوب کشانیدن مدارس، دانش‌آموزان را رویاروی سپاه پاسداران و نیروهای مسلح قرار دهند، تا با تکرار فجایع گذشته و برآه اندازه خونریزی و کشتارهای خیابانی، جنگ تازه‌ای را بر شهرهای کردستان تحمیل نمایند، بدیهی است نارسائیه‌ها و وسایستهای نادرست مسئولین آموزش شهر، عدم هوشیاری و دقت دانش‌آموزان نیز هر کدام بنحوی مقدمات لازم را برای ایجاد اغتشاش و بلوا و نیل به این مقاصد شوم، بدست‌آتش‌افروزان و آشوبگران خواهد داد.

هشدار سازمان حزب توده ایران در سندج در باره: تشدید فعالیت ضد انقلاب در میان دانش‌آموزان کردستان

شخصیتهای میهن دوست و مومن به جمهوری اسلامی ایران! مقامات و ارگانهای مسئول جمهوری اسلامی ایران! روی سخن ما با همه شماس، با همه آنهاست که در برابر زندگی و حیات هم‌میهنان ستم‌دیده و محروم خویش احساس مسئولیت می‌کنند، با همه آنهاست هستیم که در این روزهای دشوار تاریخ میهن ما، نسبت به دفاع از انقلاب ایران، نسبت به سرنوشت خلقهای در کشیده، این سرزمین، نسبت به جان سازمان حزب توده ایران، نسبت به تشدید فعالیتهای ضد انقلاب در کردستان و از جمله تحریک دانش‌آموزان، به مسئولین جمهوری اسلامی ایران هشدار داد. متن اعلامیه به شرح زیر است:

"دانش‌آموزان هوشیار و انقلابی سندج! پدران و مادران دلسوز و آگاه کرد! نیروهای متعهد و وفادار به انقلاب ایران!

با دهقانان و عشایر فارس

چو قصد آمریکا ایجاد کمبود و نارضاضی تراشی است، ولی
تا ما هستیم، اینکار نخواهد شد.
چو اگر دولت به ما عطفه برساند، ما میتوانیم گزشت و
لبنیات بیشتر تولید و به جیبه کمک کنیم.
چو آنها که نمی گذارند اصلاحات ارضی پیاده شود، بنا
مالکان هستند.
چو اکثریت مطلق عشایر یا دولت هستند.

"شورای ده را تشکیل داده ایم. این کمبودها درست می شود. قصد آمریکا، ایجاد کمبود نارضاضی تراشی است، ولی تا ما هستیم، اینکار نخواهد شد. اگر آمریکا حمله کند، تمام خون خود را نثار امام و میهن میکنیم. پسرم رفته جیبه. ماهم اگر لازم شد، اگر چه پیریم، ولی میرویم." از آنها جدا می شویم، با اینکه پیرانشان در جیبه می جنگند و موهاشان در حال سفید شدن و دستپایشان پراز پینه است، و در حالی که کوهی از مشکلات بر

برای آشنائی با مشکلات و روحیه روستائیان و عشایر فارس، به یکی از کارزارهای مسافری روستاها در روزه "اصفهان می رویم، ابتدا با اسماعیل و غلام شهابی صحبت می کنیم. اسماعیل می گوید: "ما اهل توابع ارسنجان هستیم. هیئت هفت نفری فرار است به ده ما، "شرق آباد"، بیاید، ده حدود یکصد خانوار جمعیت دارد و حدود ۴۰۰ هکتار زمین، در موقع انقلاب، بزرگ مالک زمینهای خود را به اسم این آن کرد،



اسماعیل و غلام از ده شرق آباد

دوستان از رژیم سابق باقی مانده است، با چهره مصمم حرف میزنند و نود پیروزی میدهند. در گوشه دیگر خیاربان، عده ای از عشایر منتظر اتوبوس هستند. علی، از طایفه کشکولی کوچک، از ایل تشقایی، می گوید: "مادر منطقه بوم شور زندگی می کنیم و به جیبه، گوسفند و نان کک کرده ایم و بیشتر افراد پول داده اند. در بوم شور حدود ۲۰ چادر است و شغل افراد بیشتر دامداری و کشاورزی است. معلم عشایری داریم. همه



علی از ایل کشکولی کوچک

اعلام همبستگی کرده ایم،" او درباره مشکلات خودشان می گوید: "تلمبه نداریم. عطفه دام کم گیر می آید. اجناس را گران می خریم. شورا نمایند نداریم و مجبوریم اجناس را گران بخریم. اگر مریض شویم، باید در خانه بمانیم، تا شهردو کتبدان برویم. در تابستانها سردمان سدیرم است. تا به حال به وضع ماریسیدگی نشده است. علی درباره خاسپا می گوید: "خانها زور می گویند و چون شکمشان پراست، به کوه زده اند. اکثریت مطلق عشایر با جمهوری اسلامی هستند. دولت اگر زودتر خوانین عشایر را مجازات کند، بهتر است."

تاتقسیم نشود. من که سه سال پیش زمینی خریدم، مالک نمی گذاشت کشت کنم. ولی ما، در مقابل مالکها، با جمهوری اسلامی اعلام همبستگی کردیم. برای کمک به جیبه جنگ علیه صدام ده "شرق آباد" حدود بیست راس گوسفند، مقداری پول و گندم آورد و نان محلی کک کرد.

اسماعیل ادامه میدهد: "آنها نمی گذارند اصلاحات ارضی بشود، با مالکان هستند، مالک همه چیز دارد، زمین، تلمبه و... ولی من چس دارم؟ من چشم براه هیئت هفت نفری هستم. دهات به جیبه بیشتر کک می کنند و اکثر سربازان از دهات هستند. همین دهها، چند ماه پیش خوار و بوسار و گوسفند و اجناس جفجف کرده تا کک کند، تا بحال چند تا ماه پیش برگردم کک کرده ایم."

اسماعیل درباره مشکلات ده می گوید: "مدرسه تا دوره ابتدائی داریم و حمام و درمانگاه نداریم. برای ساختن درمانگاه و حمام پول جمع کردیم. نقشه آنرا جهاد کشیده، ولی هنوز نیامده اند. آنها را بسازند. نقشه ساده را هم کشیده اند، که بسازند فعلا برای معالجه بیماران باید به ارسنجان برویم. غلام ادامه میدهد:

"فعلات دولت انتظار داریم که پیروز باشیم، خارجی بر ما تسلط پیدا نکنند و آمریکا بی برنگرد و آزاد باشیم." وی درباره عراق می گوید: "عراق تنها نیست، آمریکا و اردن و مصر و اسرائیل هم، با ما در جنگند، و همه زیر سر آمریکا است، چون منافع خود را از دست داده است." غلام ادامه میدهد: "خوانین نوکر داخلی آمریکا هستند، می خواهند رعیت و نوکر داشته باشند. می خواهند خان خانی بکنند. دولت باید اینها را بگیرد و کار آنها را یکسره بکند، که داردم میکند، اگر زودتر سرکوب شوند، بهتر است، چون اینها توطئه کردند." اسماعیل می گوید:

شگرد فتودالها برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی چیست؟

استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد: "هیئت های هفت نفری نعیم زمین کار خود را به تدریج انجام می دهند و حتی در خیلی از مناطق وارد عمل نشده اند، مدتی تحقیق کرده اند تا عرف محل را طبق ضابطه و قاعده های متناسب در آورند و طبعاً این کار ممکن است، با توجه به پهناوری کشور، مدت زیادی طول بکشد. قدر مسلم این است که مشغول کار هستند. بعضی اوقات افرادی تحت عنوان هیئت ۷ نفری تقسیم زمین (مکن است) کارهای خلاف کرده باشند، ولی هیچ ربطی به هیئت تصویب شده ما ندارد. چه بسا این افراد که حکم ستاد مرکز را نداشته اند، گاهی اوقات زمین کشاورزی را که امکاناتی نداشته و آنچه را تلاش می کنند برایش کافی نبوده، گرفته و تقسیم کرده اند. اولین مسئله برای تحقیق پیرامون مسئله اصلاحات ارضی این است که توجه کنیم اگر زمین کشاورزی به ناحق گرفته شده، آیا این زمین را هیئت هفت نفره گرفته یا افرادی این نام را سیر خود کرده و زمین این کشاورز بینوا را گرفته اند... خبرنگار نشریه "پیام هاجر" همچنین از استاد رضا اصفهانی می پرسد:

"در هفته های اخیر و در پی تجاوزات مسلحانه رژیم مزدور عراق به خاک جمهوری اسلامی ما، از سوی عناصر ضد انقلاب در پاره ای از مناطق کشور شایعاتی مبنی بر متوقف شدن اجرای طرح اصلاحات ارضی شنیده شده است. در این خصوص شما چه نظری دارید؟"

استاد رضا اصفهانی میگوید: "این دنباله تلاشی است که عده ای از فتودالها قبلا هم میکردند، منتهی یک مدتی این تلاش متوقف شده بود و حالا هم در نظر دارند برای متوقف کردن این طرح بگویند این طرح برخلاف اسلام است و تعجبی هم ندارد، چرا که عکس العمل فتودالهاست. کسی که سالها شیره جان مردم را مکیده، غیر از این هم نمی توان انتظاری از او داشت." آقای اصفهانی درباره شگرد اربابان برای گرفتن فتوا از برخی مراجع اضافه کرد:

"یک سلسله مسائل کلی است که این عناصر از بعضی آقایان مراجع پرسیده اند. فرض بقولاید می پرسند: "اگر کسی زمینی داشته باشد و ببیند این را از او بگیرند، آیا این جایز است؟"

ما خودمان هم می گوئیم جایز نیست. اما این (را که) زمین چه مقدار از راه نامشروع به دست آمده و چه مقدار آن اضافی است و چقدر از این زمین غصب کرده، مطرح نمی کند، تا امام یا فقیه دیگر جواب صحیح آن را بدهد و برخلاف بگوید. مگر این امام نیست که در بعضی از بیانات خود گفته اند: آیا این سندهای پیوسیده دلیل مالکیت است؟ آیا خیلی از آنها را نمی شود گفت که از راه نامشروع به دست آمده است؟"

هفت نفری و غیره است. در آغاز مصاحبه، مخبر "پیام هاجر" از استاد رضا اصفهانی پرسیده است: "از روزی که طرح اصلاحات ارضی اسلامی به دست اجرا سپرده شده است، افراد یا گروهها، به عنوانی مختلف، با آن به مخالفت برخاسته اند و حتی پارافراتر از مخالفت گذاشته، این طرح را کونیستی می خوانند و دیده شد در جزوه ای، ضمن رد اصلاحات ارضی اسلامی، شما را که استاد علوم اسلامی و انسانی مومن و معتقد هستید، کونیست می خوانند. در این مورد چه نظری دارید؟"

استاد اصفهانی پاسخ داده است: "اولاً آنچه که ما کردیم و آنچه که هیئت های هفت نفری طبق طرح تصویب شده شورای انقلاب میکنند، با آنچه ممکن است گاهی اوقات از طرف بعضی از افراد به غلط انجام بگیرد، به دو گونه است. آنچه که برنامه ما بوده و الان هم هیئت های هفت نفری مشغول پیاده کردن آن هستند، متن طرحی است که در شورای انقلاب، با شرکت چند تن از روحانیون بزرگ، تصویب شد و به امضای شخص آقای منتظری، آقای مشکینی و آقای بهشتی هم رسیده است. این آقایان را خود اسامی شخصاً برای اظهار نظر در مورد این کار تعیین کردند... امضاء آنها در پای هر صفحه از این صفحات هست... مسئله بی سروصدا نبوده، مخصوصاً فتودالها بیشتر از همه سروصدا ایجاد کردند و حتی تلگراف های متعددی تحت عنوان کشاورزان، خرده مالکان نوشته اند... آیا این صحیح است که آقایان منتظری، بهشتی و مشکینی (اگر این طرح کونیستی بود و اسلامی نبود (آنرا) امضاء کنند؟ و حتی آقای موسوی اردبیلی، رفسنجانی و آقای باهنر، که در جلسه شرکت داشتند... متوجه نشدند که این طرح کونیستی است؟ این یک بیماری است. در جامعه ما، به جای این که وقتی یک طرح مردمی در جامعه مطرح می شود، در اذهان به شکل خیلی عالی مطرح کنند، نوری انگ کونیستی می چسبانند."

خبرنگار "پیام هاجر" آن گاه درباره مقاومت مالکان بزرگ در مقابل اجرای قانون اصلاحات ارضی و هیئت های هفت نفری و نیز اقداماتی که برای خنثی کردن این توطئه ها صورت گرفته، می پرسد: "استاد رضا اصفهانی پاسخ می دهد: "برای آشنائی مردم، بسزای خنثی کردن این قبیل توطئه ها، یک سلسله تبلیغات در مورد اصلاحات ارضی شده، که خواه ناخواه در رسانه های گروهی هم مطرح شده است... آنچه را که یک عده فتودال می گویند کونیست، آن کونیست نیست و آنچه را می گویند اسلام، آن اسلام نیست." خبرنگار سپس در باره نحوه اجرا و زمان اصلاحات ارضی سؤال می کند:

انقلاب بزرگ و شکوهمند ما، از آغاز، به گفته امام خمینی انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان بود، انقلاب مستضعفان علیه مستکبران بود. لیکن دولت موقت، نه تنها قادر به پاسخ گویی به نیازهای انقلاب مستضعفان نبود، بلکه در مجموع در جهت نوعی حفظ نظام طاعتی و وابسته و تحکیم منافع مستکبران حرکت می کرد و زیر سر کشاورزی این دولت، که خود بزرگ مالک و بلندگوی بهره کشان روستا بود، در تمام مدت وزارتش، همواره از مالکیت های بزرگ ارضی دفاع کرد. او حتی در مقابل گفته امام خمینی پیرامون شرایط و حدود مالکیت ایستاد و "اصلاحات ارضی شاهانه" را مورد تأیید قرار داد و نتایج و آثار مخرب آنرا، که چیزی جز بی خانمانی و فقر و فلاکت اکثریت زحمتکشان روستا نبود، قانونی و محترم شمرد. وزیر کشاورزی دولت موقت لیبرال هر اقدام درستی را که به وسیله مردم زحمتکش و با کمک و یاری نهادهای انقلابی، چون جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و در جهت تأمین منافع این محرومان و بالابردن سطح تولید صورت می گرفت، اقدامی "کونیستی" و مخل نظم و امنیت قلمداد می کرد. وی لوابچی را به سود بزرگ مالکان تنظیم کرد و برای این جباران و ستمگران "شوراهای کشاورزان" تشکیل داد.

پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا و آغاز "انقلاب دوم"، که به حق "بزرگتر از انقلاب اول" بود، طرح انقلابی اصلاحات ارضی اعلام شد. از یکسو روستائیان زحمتکش و نیروهای انقلابی به دفاع همه جانبه از این طرح انقلابی پرداختند و از سوی دیگر بزرگ مالکان جبار و لگسرو حامیان آنان، مخالفت با آنرا آغاز کردند. زمین داران بزرگ، لیبرالها و روحانی نمایان ضد خط امام آنرا یک طرح "کونیستی" و مخالف و ضایر با "اصول اسلام" دانستند و حتی استاد رضا اصفهانی را، که از طراحان لایحه و یک محقق و اقتصاددان اسلامی است، "کونیست" دانستند لیکن علی رغم تمام این مخالفتها، طرح انقلابی مذکور - اگر چه با تغییراتی - به یمن درایت رهبر انقلاب و تصد روحانیت مبارز پیرو خط امام و به برکت مشارکت فعال خود دهقانان به تصویب شورای انقلاب رسید. فراز و نشیبها در مراحل اجرایی قانون همچنان ادامه یافت و نیروهای مومن به انقلاب می کوشند، تا به یمن همان رهبری و به برکت همان مشارکت، بر مشکلات و موانع کنونی فائق آیند، تا این گام بزرگ و حیاتی در جهت تعمیق و تحکیم انقلاب برداشته شود.

نشریه "پیام هاجر"، در شماره ۲۴ آن بان ۵۹ نیز، مصاحبه ای با استاد رضا اصفهانی، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی انجام داده است که مضمون نکات فوق و نیز اطلاعاتی در زمینه کار هیئت های

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین های بزرگ نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.

سختی دارند، حساب خودشان را از خوانین جدایی کنند، با اینکه بارفقر و گرسنگی را بردوش می کشند، آگاهند که فریب وعده های خوانین و ضدانقلاب را نخوردند و دانند که خوانین همیشه به بهای فلاکت آنها، خوشگذرانی کرده اند، آنها جان برکف آماده مقاومت در برابر آمریکا هستند.

"با اسب و قاطر زمین را شخم می زنیم و گندم و جو میکاریم و کشت به صورت دیمی است." او ادامه میدهد: "اگر دولت برای ما خانه بسازد، ما راضی هستیم که ساکن شویم." با آنها خدا حافظی می کنیم، اینها که شب و روز در حال کوچ هستند و شرایط زندگی

وی درباره عراق می گوید: "عراق حمله کردنش از طرف آمریکا است. اگر دولت به ما عطفه برساند، می توانیم گوشت و لبنیات بیشتر تولید و به جیبه کمک کنیم. ما جلو عراق و آمریکا را می گیریم. خانهای سرسپرده عشایر ضد ما عشایر هستند و عمال آمریکا در محل هستند." وی درباره کشاورزی می گوید:

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بانه:

با رسیدگی به حقوق حقه خلق کردور رفع محاصره اقتصادی روستاهای کردستان، دست خوانین ضدانقلاب را از این استان کوتاه کنیم!

سازمان حزب توده ایران در بانه، با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن برشمردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن علیه انقلاب ایران، خواسته است، تا باره محاصره اقتصادی و حمل مساله ملی در کردستان توطئه‌های ضدانقلاب را در این خطه نقش بر آب سازند. در اعلامیه آمده است:

"بدنبال شکست سیاسی- نظامی ششمین توطئه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که بصورت تجاوز نظامی صدام حسین خائن، به میهن انقلابی مان، شکل گرفته بود، اینک این "جرثومه فساد" از پای ننشسته و در صد اجرای هفتمین طرح جنایتکارانه خویش است.

طرح ایجاد جنگ داخلی در ایران تلاش برای تقویت مواضع لیبرالها، کوشش برای اشغال سه جزیره ایران در خلیج فارس، ایجاد درگیری در شهرهای مختلف ایران و برانداختن تظاهرات کدائی علیه روحانیت مبارز و متعهد پیرو خط امام خمینی، نفاق افکنی بین نیروهای راستین هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تشدید حملات بانسداد قاسم و... در کردستان و ضدانقلابیون در سیستان و بلوچستان، تلاش برای ایجاد نا رضایتی در بین مردم و به تشنج کشاندن مدارس، همه و همه در ارتباط با این توطئه شوم است که می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد.

تنها و تنها، اتحاد، هوشیاری و پایداری خلقهای ایران است که همچون سدی بولادین همه این توطئه ها را خنثی خواهد کرد. لذا در این شرایط دشوار، رسیدگی به حقوق اجتماعی مردم کردستان و رفع محاصره اقتصادی از روستاهای کردستان، بی شک ضریب است بر مواضع ضدانقلاب، که با دستاویز قراردادن این مسئله، تبلیغات متناقض خود علیه جمهوری اسلامی ایران را تشدید کرده است.

در این شرایط حساس، اقدامات ارگانهای مملکتی در جهت جیره بندی

مواد غذایی در سطح کشور و تقویت پشت جبهه، عملی است انقلابی، و بجا در جهت حمایت از مستضعفین و کوتاه کردن دست چپاولگرانه محتکرین و دلالان بزرگ، زحمتکشان روستاهای بانه، این پشتیبانان راستین انقلاب، بحق انتظار دارند که اقدامات بجای دولت جمهوری اسلامی ایران شامل حال آنان نیز بشود. با شکستن محاصره اقتصادی و اجرای طرح جیره بندی مواد غذایی در روستاها، دست عناصر مشوک و ضدانقلاب را، که سعی در رودر رو قرار دادن خلق کردور جمهوری اسلامی ایران دارند، کوتاه کرد و جلو غارتگریهای چپاولگران محتکرو سودپرست، که مواد غذایی و سوختی را با قیمتهای سرسام آور احتکاري کنند و دهها برابر قیمت رسمی "دولتی" به فروش می رسانند، گرفته شود.

بار سنگین محاصره اقتصادی را مستضعفین روستا بردوش دارند، ضد انقلاب که خود بوسیله رژیم جنایتکار صدام از همه جهات تغذیه می شود، از فشاری که دزاشتر محاصره اقتصادی بردوش زحمتکشان روستاهاست، علیه انقلاب و علیه جمهوری اسلامی ایران و رهبران، امام خمینی به نفع خود و اربابانش سوء استفاده می کند. شکستن محاصره اقتصادی روستاها و رسیدگی به مسئله ملی در کردستان، دست این جنایتکاران را از این مرز و بوم کوتاه می کند.

این انقلاب است که باید خواستهای بحق زحمتکشان را در همه زمینه ها برآورده سازد. زحمتکشان بانه هم مثل همه خلقهای ایران، جز این انتظاری از جمهوری اسلامی ایران نداریم. پیش بسوی خنثی کردن هفتمین توطئه ضدانقلابی امپریالیسم آمریکا، مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا! برقرار باد جبهه متحد خلق، ضامن پیروزی انقلاب! حزب توده ایران سازمان بانه

خلق السالوادور

درواه آزاد کردن خود از اسارت امپریالیسم آمریکا به پیش می رود



صحنه‌ای پسران هجوم دژخیمان به مردم، در سان سالوادور پایتخت السالوادور

بموجب تازه ترین گزارش های "جبهه آزادی بخش ملی فارابونندو مارتی"، تعرض نظامیان راستگرای السالوادور علیه مناطق آزاد شده در استان "مورانسان" که در حدود سه ماه پیش آغاز گشت و به ادعای مکرر رژیم با موفقیت پیش میرفته به شکست انجامیده است. بگفته یکی از بیانیه های اخیر "جبهه"، این شکست نیروهای "خونتا"، که ایالات متحده آمریکا "کارشناس" و سلاح در اختیار آنها میگذارد، برای مرحله کنونی بیگانه ای در السالوادور نمونه وار است.

اینک "جبهه آزادی بخش ملی فارابونندو مارتی" در حدود یک پنجم السالوادور را تحت سلطه خود در آورده است و در چهار جبهه "گونگون" علیه "خونتا" می ریزد. نیروهای دمکراتیک و انقلابی این کشور هر چه بیشتر وحدت خود را استحکام بخشیده اند و به مبارزه خود علیه دیکتاتوری و برای دمکراسی و عدالت اجتماعی ادامه میدهند.

دیگر توهمی در باره ماهیت راستین رژیم وجود ندارد

اوضاع السالوادور در مقایسه با یکسال پیش تغییر بنیادی یافته است. سال پیش، هنگامیکه در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۷ تا ۱۵ دی ۱۳۵۸) ۶۰ درصد کاهش یافت. در همین مدت دیون خارجی السالوادور دو برابر شد. محصول قهوه، که مهم ترین کالای صادراتی سنتی این کشور را تشکیل میداد، یک سوم تنزل پیدا کرد. بیش از ۵۵ کارخانه مهم تعطیل شد و کارگران آنها به خیل بیگاران پیوستند.

مردم بزودی دریافتند که رژیم وابسته به ایالات متحده آمریکا، که سالها بر آنها سلطه میراند، همچنان زمام امور را بدست دارد و تنها کارگران آن تغییر یافته اند. نگاهی به ترازنامه کودتا چیان وابسته به ایالات متحده آمریکا، پس از یکسال فرمانروایی آنها، برآستی دهشت انگیز است: اختناق و شکنجه ها و کشتارهای بی سابقه بیش از هفت هزار کشته، صدها مفقود و زندانی و اقتصادی ویران.

از جمله بیدادگری های "خونتا" عبارتست از: بیکاری و قتل رهبران سازمانهای خلقی، سندیگایی و دانشجویی، بمباران صفوف آوارگان، استفاده از مواد سمی و ضد آفات علیه روستائیان و نابودی دهات و قریا، بنا بر نمونه تجاوز کاران ایالات متحده آمریکا در ویتنام، اینک در السالوادور روزانه، بطور میانگین، بیست میهن دوست کشته میشوند.

و خامت اوضاع اجتماعی- اقتصادی السالوادور امروزه بحدی است که بیکاری، تورم، گرسنگی و فقر در این کشور به ابعادی بی سابقه رسیده است.

کمک وسیع ایالات متحده آمریکا به رژیم السالوادور

"اصلاحات ارضی" رژیم تنها به آوارگی هزاران دهقان و کارگر روستایی و ایجاد باصطلاح روستاهای استراتژیستیک انجامیده است. حجم بازرگانی السالوادور در سال ۱۹۷۹ (۱۱ دی ۱۳۵۷ تا ۱۵ دی ۱۳۵۸) ۶۰ درصد کاهش یافت. در همین مدت دیون خارجی السالوادور دو برابر شد. محصول قهوه، که مهم ترین کالای صادراتی سنتی این کشور را تشکیل میداد، یک سوم تنزل پیدا کرد. بیش از ۵۵ کارخانه مهم تعطیل شد و کارگران آنها به خیل بیگاران پیوستند.

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا که با سرنگونی رژیم سوموزا در نیکاراگوئه، شکستی سهمگین در آمریکای مرکزی نصیب شد، اینک همه کوشش خود را برای جلوگیری از گسترش بیشتر جنبش خلق در السالوادور بکار انداخته است. آمریکا، نه تنها میلیونها دلار به رژیم دیکتاتوری اعتبار و اسلحه میدهد، بلکه صد کارشناس نظامی و ده ها جاسوس "سیا" را به السالوادور گسیل داشته است، که در "پیگردن شورشیان" شرکت مستقیم دارند.

جندی پیش افشاشد که ایالات متحده آمریکا در کشورهای همسایه السالوادور، یعنی گواتمالا و هندوراس، تهاجمی را علیه السالوادور تدارک می بیند و بدین منظور، نیروهای خود را در کارائیب و منطقه کانال پاناما نیز تقویت کرده است.

ناظران سیاسی معتقدند که، چنانچه کمک ایالات متحده نبود، نیروهای خلقی السالوادور مدت ها پیش توانسته بودند رژیم "خونتا" را سرنگون سازند.

اتحاد فزاینده خلق

از سوی دیگر، اختناق فزاینده ارتجاع داخلی و خارجی جبهه نیروهای مخالف را هر چه بیشتر توسعه داد، علیرغم شرایط بس دشوار مبارزه، مقاومت توان بخشید. امروزه میتوان گفت که بیشینه خلق از سازمانهای انقلابی پشتیبانی میکند. این سازمانها در بهار سال ۱۳۵۹ به تشکیل "جبهه دمکراتیک انقلابی" همت ورزیدند و هدف خود را سرنگونی رژیم دژخیم نظامیان اعلام داشتند. این جبهه هیچد سازمان خلقی مردم السالوادور، از جمله برخی از گروههای بورژوازی، را در بر نمیگیرد.

مقاومت مسلحانه مردم را "رهبری متحد انقلابی" (دیرکسیون رولوسویو-ناریا اونیفیکادا - "درو") هم-اواسط بهار امسال تشکیل شد، "حزب کمونیست السالوادور"، "نیروهای مسلح خلق - فارابونندو مارتی"، "سپاه انقلابی خلق" و "نیروهای مسلح مقاومت ملی" را در بر میگیرد.

جدیدترین گام در راه تحکیم وحدت عمل جنبش مسلحانه انقلابی خلق السالوادور اعلام تشکیل "جبهه آزادی بخش ملی - فارابونندو مارتی" بوده است، که در آن سهم ترین گردانهای مقاومت خلق السالوادور تشکیل یافته اند و از نظر نظامی و سیاسی از سوی "درو" رهبری میشوند. دومین پلنوم "درو" شرکت "نیروهای مسلح مقاومت ملی" را نیز در این جبهه تأیید کرد.

شفیق خورخه هندل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست السالوادور، جندی پیش، در بیانیه ای تشکیل "فرماندهی عالی متحد انقلابی" را بیانگر اتحاد میهن دوستان السالوادور در زمینه همه مسائل بنیادی سیاسی، نظامی، ملی و بین-المللی خواند.

هشدار سازمان حزب توده

ایران در سنج...

بقیه از صفحه ۴

سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جنازه های فرزندان بی گناه کشور را هیزم آتش هوسهای پلید خود نمایند.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان!

برتر را بد اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در جبهه متحد خلق سازمان حزب توده ایران - شهرستان سنندج

کمیته مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!
فرانک از کرج ۲۰۰۰ ریال
ب. الف ۱۰۰۰ ریال
ر. و ۱۰۰۰ ریال
علی اشرف ن. ۵۰۰۰ ریال
مریم. الف ۳۰۰۰۰ ریال
کمال. الف ۲۰۰۰ ریال
حسین الف ازامل ۲۰۰۰ ریال
نیما الف ۵۰۰ ریال
از کرج ۱۰۰۰۰ ریال
مهرداد و مهرنوش ۸۵۰ ریال
خانم ایران. خانه دار ۱۵۰۰۰ ریال
ف. سنگ کار ۲۰۰۰ ریال
گروه اژدر ۱۰۰۰۰ ریال
د. از کرج ۱۰۰۰۰ ریال
ملاقمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی منش و به شماره ۲۹۸۸ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند

پرسش و پاسخ...
بقیه از صفحه ۳
بشود، حالت های طوفانی پدید آید. این همه ممکن است. ولی به نظر ما معمول این درگیری ها و طوفان ها و بحران ها، مثل مراحل قبلی بازم تعمیق بیشتر انقلاب در سمت گیری های اساسی یعنی ماهیت ضد امپریالیستی آن خواهد بود و نه تضعیف انقلاب به سود لیبرال ها و غیره.
س: (یکی از دانش آموزان "پیشگام" - هوادار سازمان چریک های فدایی خلق ایران (اکثریت)) : اخیرا در نشریه کار شماره ۸۶ و ۸۸ مطالبی درباره بورژوازی ملی مطرح شده است. می خواستم که تعریف دقیقی از بورژوازی ملی بکنید. آیا اصلا در ایران بورژوازی ملی وجود دارد؟ یا اصلا در زمان حاکمیت امپریالیسم، بورژوازی ملی می تواند رشد پیدا کند؟ یا توجه به این که بورژوازی ملی بایستی بدون وابستگی باشد و غیره. نظر حزب توده ایران را چه به موضوع گیری سازمان در مورد بنی صدور بورژوازی ملی چیست؟
ج: من این سؤال را البته فقط برای آن اینجا خواندم که به این دوست پیشگام و به دوستان نظیر او که از این نوع سؤالات برای ما می فرستند یک یادآوری بکنم. ما درباره این مسائل در نشریات حزب توده ایران به طور مبسوط و همه جانبه دیدگاه های حزب توده ایران را بیان داشته ایم. حتی در همین "پرسش و پاسخ" ها ما به طور مبسوط درباره نقش و قشر بندی های بورژوازی در کشوری نظیر ایران مفصل صحبت کرده ایم. تکرار این صحبت ها برای مجموعه شنوندگان "پرسش و پاسخ" می تواند جالب باشد. چون اکثریت این رفقا این سؤالات را شنیده اند و نسبت به آن ها هم نظرات مشخصی حزب را می شناسند. آیا بهتر نبود که این سؤال کننده آدرس خود را می فرستاد و ما می توانستیم برای او به طور مشخص دوستی را معین بکنیم که با او تماس بگیرد و جواب این سؤال ها را به او بدهد؟ البته اگر دوست ما واقعا این عقیده را دارد که این سؤال برای عده زیادی از دوستان او در گروه پیشگام و گروه سازمان چریک های فدایی خلق مطرح است، این را برای ما بنویسد. آن وقت ممکن است که ما بتوانیم به این مطلب در مقاله ای در نامه "مردم" بپردازیم. وگرنه در جلسات پرسش و پاسخ ما نمی توانیم به این مسائل اختصاصی تئوریک بپردازیم. در آن دوران اول ما این کار را کردیم، برای این که همه خواستار شناخت این مسائل بودند ولی حالا نواش نواش در نتیجه فعالیت های تبلیغاتی حزب توده ایران، سطح شناخت هواداران حزب به میزان زیادی بالا آمده است. ما می توانیم منتظر این باشیم که دوستان به ما بگویند که رفیق کیا چرا این قدر تکرار می کنی؟ بس است دیگر! در دیزی باز است حیا گریه کجارتفته؟ ولی قبل از آن که چنین انتقاداتی برسد، من کوشش می کنم از طرح آن مسائلی که چندین بار تکرار شده است خودداری کنم.
پایان

تجهیز پاسداران...

بقیه از صفحه ۹

از بهترین فرزندان خود و به بهای تحمل فداکاریها و دشواریهای فراوان، جنایتکاران را از نیروی یازداشت.

در میان این خلق رنج دیده، ولی وفادار به انقلاب بزرگ خویش، در میان نیروهای مسلحی که آرام آرام در کوره جنگ آبدیده شدند، عناصر ناستوار را بدور انداختند و عدم آمادگی را ترمیم کردند، نسام و نقش سپاهیان پاسدار انقلاب، این فرزندان دایر و جانباخته خلق انقلابی ما، جای بس بزرگ و نمایان دارد. آنها که، علیرغم کارشکنیهای عناصر لیبرال - که در طول دو سال پس از انقلاب چشم دیدن این بزوی مسلح، ولی پر شور و فداکار خلق را نداشتند و برای انحلال آن به هر تلاشی دست میزدند - انقلاب را از خطرات پس عظیم حراست کردند و از توطئه های مهلک رها نیدند، در پی تجاوز آمریکایی ارتش صدام حسین نیز بی محابا و با شجاعتی کم نظیر به مقابله برخاستند و از ییکرهای گلگون خویش در مقابل توطئه سد ساختند، آنها محاسبت متعارف جنگی صدام حسین و امپریالیسم آمریکا را بر هم ریختند و نشان دادند که انقلاب ایران از چه پشتوانه عظیمی از نیرو، شور و امید برخوردار است. پشتوانه ای آنچنان غنی و سرشار از شور و انقلابی، که اطمینان میدهد انقلاب ایران از توطئه ها سر بلند و استوار بیرون خواهد آمد و پیروز خواهد گشت.

نیروهای انقلاب...

بقیه از صفحه ۹

تیراندازی دشمن به منطقه مسکونی آبادان دیروز (۱۸ دی)، ۲۰ باب خانه طعمه حریق شد، که بیدرتک توسط مامورین آتش نشانی برای خاموش کردن آتش اقدام شد.

در همین اطلاعیه، تعداد تلفات نیروهای انقلاب در تهاجم پیروزمندان ۱۵ دی ماه، ۱۰ تن شهید و ۲۶ تن مجروح اعلام شد. همچنین خبرگزاری پارس از جبهه کیلانغرب خبر پیروزی تازه نیروهای انقلاب را با اطلاع همگن رسانید. طبق این گزارش، در این جبهه نیروهای انقلاب از زمین و هوا، دشمن را زیر آتش قراردادند و ۱۰ دستگاه تانک دشمن را نابود کرده و ۶۰ تن از آنان را به هلاکت رساندند. فرمانده عملیات غرب پیشروی

توضیح و تصحیح

در «نامه مردم» شماره ۳۷۹، در مقاله «بر کارگران ایران چه میگذرد»، از جمله آمده بود: «... تلمبه خانه گاز و موکت سازی ایپن مورد حمله دشمن قرار گرفته و بکلی منهدم شده...»

این تجربه، برای انقلاب، اهمیت عظیمی داشت و دارد. این آزمون دیگری برای سپاهیان پاسدار انقلاب در نبرد بیامان جمهوری اسلامی ایران با دشمنان توطئه گر، به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا بود.

از روزهایی که انقلاب ایران در کوجه و خیابان شکل می گرفت و از درون خود نیروی خلقی را به محفلت از خویش بیرون میداد و متشکل میساخت و از روزهایی که این نیروی مسلح خلقی در سنگرهای خلق شکل گرفت، در تسخیر پادگانهای ارتش شاه منفور مسلح گردید تا به امروز، آزمونهای متعدد و خونینی در مقابل سپاهیان پاسدار انقلاب قرار گرفته، که هر یک، خلق و مسئولان

آنها به اهمیت عظیم این نیروی فداکار خلقی برای حفظ و حراست از انقلاب ایران، مطمئن تر ساخته است.

نقش پاسداران انقلاب در پیگرد و سرکوب ضد انقلاب توطئه گر، دستگیری و مجازات ساواکیها و ولایتکلیان مزدور رژیم منفور پهلوی، برای انقلاب ایران پس از زنده بوده است. سپاهیان پاسدار انقلاب در شکست تمامی توطئه های امپریالیسم آمریکا و مزدوران داخلی، نقش برجسته ای داشته اند. بیشترین شهدا را در راه حفظ انقلاب اهدا کرده اند. در طبع آنها حاضر بودند، در ۱۸ تیر راه کودتاگران را سد کردند و در ۳۱ شهریور، دوشادوش دیگر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و در کنار خلق فداکار و انقلابی، راه

رزمندگان انقلاب را عالی توصیف کرد. خبرگزاری پارس همچنین گزارشی داد: عملیات یا حمایت آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و بسا همکاری هوایی، از انجام کامل نیروهای ارتش، پاسداران انقلاب اسلامی، ژاندارمری و دیگر نیروهای مدافع اسلام، انجام گرفت.

خبرگزاری پارس به نقل از بخشداری گوند اطلاع داد که شب ۱۸ دی ماه، فدائیان اسلام در یک حمله چریکی در دشت زهاب ۳ دستگاه تانک نیروهای صدام مزدور را منهدم کردند و ۳۰ تن از دشمنان انقلاب اسلامی را به هلاکت رساندند و ۵۰ تن از آنان را مجروح کردند. و مقدار زیادی مهمات دشمن به غنیمت گرفته شد. گزارش دیگری حاکیست که مدافعان انقلاب در منطقه «بر»

با پیوز از خوانندگان، یاد آور می شویم که: «در ایپن تلمبه خانه نفت وجود دارد، نه گاز. در ضمن طی حمله تجار و گران صدامی، فقط به موکت سازی خسارت و تلفاتی وارد شده و تلمبه خانه نفت آسیبی ندیده است.»

بر لشکر جرار صدام بستند. تجربه غنی دوساله گذشته نشان داد که خلق و مسئولان انقلابی در اعتماد به این نیروی خلقی و مخالفت قاطعانه با توطئه های لیبرالها علیه سپاهیان پاسدار انقلاب، به خطا نرفته اند. این امتنان و اعتماد خلق انقلابی، در قانون اساسی و قانون اخیر مصوبه مجلس شورای اسلامی، که سپاهیان انقلاب را بعنوان بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، قانونیت بخشیده، منعکس گردیده است.

تجربه دوساله اخیر همچنین نشان داد که عدم تجهیز این نیروی قابل اعتماد خلق و تسلیح شدن به کارشکنی های لیبرالها در این مورد، چه زیانهای بزرگی بر امر دفاع از انقلاب وارد ساخته و میسازد. ضرورت تجهیز کامل نیروهای پاسدار انقلاب، بر اساس همین تجربه بارها و بارها در سخنان رهبر انقلاب، امام جمعه تهران، رئیس مجلس شورای اسلامی و نخست وزیر منمکس گشته است. اقداماتی نیز در این جهت صورت گرفته است، که البته هنوز کافی نیست.

پاسداران انقلاب به مثابه بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، که به سبب خویش امتحان خود را در دفاع شایسته و دلیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران داده اند، باید از هر نظر و بویژه به سلاح سنگین مجهز گردند و به فنون پیشرفته نظامی، آشنا شوند. چنین اقدامی تنها بسود انقلاب و بسود حفظ آن از دستبرد امپریالیسم آمریکا و مزدوران آنست.

آفتاب، در کیلانغرب، ۴ کیلومتر دشمن را از مواضع خود عقب راندند و در منطقه پیشروی کردند. همچنین در منطقه زهاب-قصر - شیرین - جبهه های کوروش - بازی دراز - دانه خشک و قراویز، نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران موفق به عقب راندن دشمن شدند.

ورود دومین گروه اسرای عراقی به تهران
خبرگزاری پارس، صبح دیروز اطلاع داد، که دومین گروه اسرای ارتش عراق که در جریان حمله پیروزمندان نیروهای انقلاب به متجاوزین در روز ۱۵ دیماه به اسارت در آمدند، وارد تهران شدند. این گروه متشکل از ۲۸۰ تن از اسرای صدامی بودند. دسته اول اسیران عراقی که شامل ۵۰۰ اسیر می شد روز ۱۷ دیماه وارد تهران شده بودند.

در «نامه مردم» شماره ۴۰۸، ضمن گزارشی که از کارخانه چیت تهران درج شده بود، تعداد کارگران زن این کارخانه اشتباهاً «کتر از هزار نفر» ذکر شده، در حالی که رقم درست «کتر از صد نفر زن، امم از کارگر و کارمند» است.

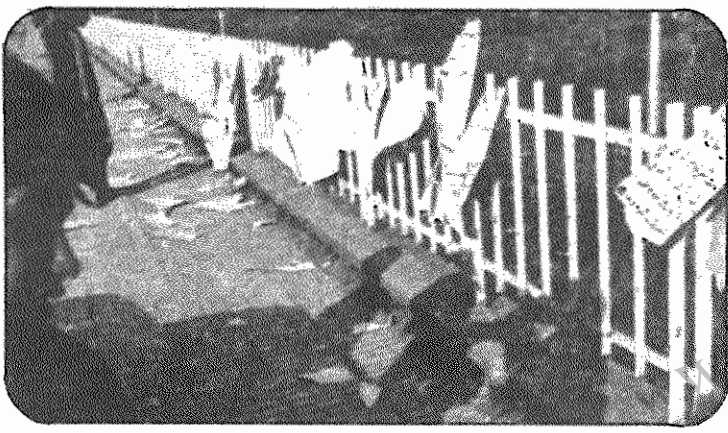
جلوگیری از نمایشگاه افشای جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام در ماسال



در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۵۹، از طرف اعضا و هواداران حزب توده ایران در ماسال - استان گیلان، نمایشگاه عکسی با عنوان "گامی در افشای جنایات رژیم مزدور بعث عراق و امپریالیسم آمریکا" برپا شد که با استقبال گرم مردم روبرو گردید. اما با کمال تاسف و تعجب، ظهر همان روز نماینده حاکم شرع این منطقه، به همراه چند نفر به محل نمایشگاه آمدند و بدون توجه به محتوای آن، عکسهای شهدای جنگ و اسناد مربوط به جنایات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را باره کردند.



اعضا و هواداران حزب توده ایران در ماسال، که به پیروی از مضمون اصلی و انقلابی حزب توده ایران همواره در حمایت از انقلاب شگوهند مردم ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی کوشیده اند، ضمن اعتراض به این عمل امیدوارند که ارتکار چنین اعمالی که ضداقلاب میریزد، جلوگیری شود.



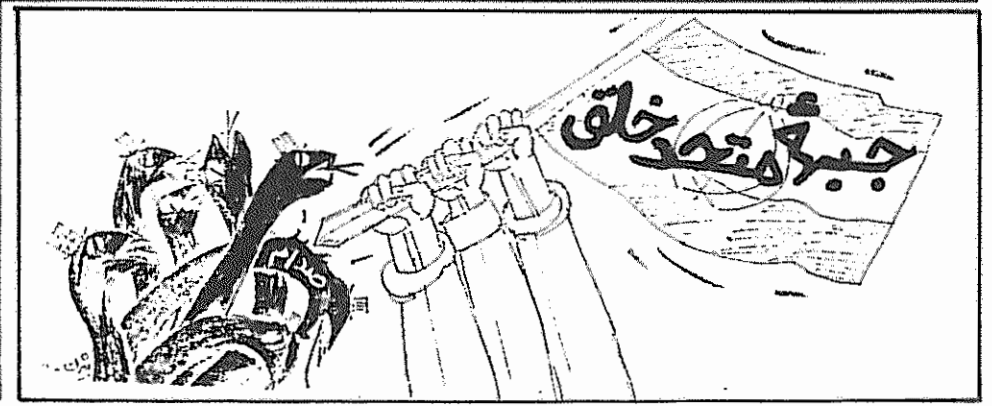
ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان اسلحه، ارز و مواد مخدر قاچاق می کند

عوامل ضد انقلاب که سعی می کنند کانون جدی بحران و درگیری دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران پدید آورند، فعالیت های تخریبی خود را در سیستان و بلوچستان در همه زمینه ها تشدید کرده اند. از جمله زمینه های فعالیت این عناصر وابسته به آمریکا قاچاق ارز، مواد مخدر و اسلحه در این منطقه است. اخیراً رسیده از شهرهای مختلف این استان حاکیست که در حال حاضر خرید و فروش ارز مخصوصاً هزار تومانی ایرانی در زاهدان و دیگر شهرهای استان، از قبیل زابل و جاه بهار، وسیعاً جریان دارد، و با آنکه صرافی های زاهدان تعطیل شده است لیکن خرید و فروش ارز در نواحی مختلف شهر، از جمله ترمینال اتوبوس های زاهدان و توسط فروشندگان سیکار ادامه دارد. در این میان خرید و فروش هزار تومانی ایرانی برای خرید جنس از خارج بخصوص از دوسوی و همچنین خرید و فروش بول افغانی و پاکستانی بازار گرمی دارد. مخصوصاً بول هزار افغانی، که تا ۲۶۰ تومان و یکصدی پاکستانی، که حدود ۱۲۰ تا ۱۵۰ تومان، خرید و فروش میشود. عوامل ضد انقلاب از طرف دیگر قاچاق مواد مخدر نیز ابعاد گسترده تری داده اند. در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۵۹، گشتی های سپاه پاسداران ۲ قاچاقچی مسلح در نواحی کلاته کامبوزب را دستگیر کردند. در این عملیات قاچاقچیان چندین بار بروی

پاسداران آتش گشودند، ولی کامل مانع فرار آنها شدند. ماموران ناحیه ۱۱ زاهدان در سیستان و بلوچستان نیز در آبان ماه ۱۳۵۹ با تلاشهای فراوان موفق شدند که مقادیر زیادی سلاح جنگی، مهمات، هروئین، تریاک و کالاهای قاچاق دیگر را از سارقین و قاچاقچیان کشف و ضبط کنند. همچنین ۳ نفر از عمال ضد انقلاب که خود را به شکل پاسداران انقلاب در آورده بودند و مقدار ۲ کیلو و ۱۵۰ گرم حشیش، ۷ گرم هروئین، ۲ قنیه اسلحه برنوو رولور و مبلغ ۴۵۰۰ تومان وجه اخاذی شده همراه داشتند، توسط گروه تحسین کلاستری مرکز زاهدان شناسایی و دستگیر شدند. بر اساس همین گزارش ها، در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ نیز مامورین گشت کلاستری مرکز زاهدان در بازرسی از یک اتومبیل سواری مردس بنزر حامل ۶ سرنشین، که در مقابل هتل ها مون، بارک شده بود، مقدار ۳ کیلو گرم حشیش، راکه، بادفت خاسازی شده بود، کشف کردند. سرنشینان این ماشین دستگیر و زندانی شدند.

لازم به توضیح است که مدافعان برای انجام این اعمال ضد انقلابی خود از یاری همه جاسه به اصطلاح "مبارزین افغانی" برخوردار است، بطوریکه در اغلب این اعمال خرابکارانه به اصطلاح "مبارزین افغانی" فعالیت چشمگیری داشته و دارند.

- طبقه کارگر
- ایران
- در افزایش
- تولید،
- ترمیم
- خسارات
- جنگ
- و دفاع
- در جبهه،
- پیشقدم
- است!



۳۰ دی ماه ۱۳۵۹، روز استقلال کامپوچیا، روز پایان یافتن تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و روز جشن ملی خلق کامپوچیاست.

امپریالیسم آمریکا طی پنج سال (۱۳۵۹-۱۳۶۸) دخالت ویرانگر و خونبار خود، با فروباریدن میلیون‌ها تن بعب بوسیله هواپیماهای ب-۵۳، بیش از ۶۰۰۰۰۰ تن از مردم کامپوچیا را بقتل رساند، ۸۰ درصد کلیه واحدهای صنعتی، چاه‌ها و خطوط راه آهن و حدود ۷۰ درصد از اراضی حاصلخیز و بارآورد را ویران ساخت و دوسوم دامها را نابود کرد.

بدینسان با سقوط رژیم دست‌نشانده لئون تول و پایان یافتن دخالت تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، رژیم پول‌پوت - ینگساری زمام امور را بدست گرفت. ولی این رژیم جنایتکار نیز به پیروی از سیاست برتری‌طلبان چین و اجرای آزمون‌های دهشتناک مائوئیستی، ۳ میلیون تن را قتل‌عام کرد، واحدهای فعال صنعتی را بکلی از تولید بازداشت، مراکز آموزشی را تعطیل کرد، شهروندان را به روستاها گسیل داشت و کشاورزی را به نابودی کشاند. در يك کلام، اقتصاد قرون‌وسطایی را بر کشور حاکم ساخت. تا آنکه سرانجام، روز ۱۷ دیماه ۱۳۵۷، در پی قیام مسلحانه مردم کامپوچیا، کشور آزاد شد و «شورای انقلابی خلق» به حکومت دست یافت. اینک دستاوردهای موفقیت‌آمیز خلق کامپوچیا، باید در پرتو این تجاوزات و ویرانگری‌های امپریالیسم آمریکا و مائوئیست‌های چینی و کامپوچایی بررسی شود: شهر پنوم‌پن، پایتخت خالی از سکنه رژیم تبهکار پول‌پوت، بعد از بازسازی، پذیرای

زندگی نوین در کامپوچیا

۴۰۰۰۰۰ شهروند شده و با وجود دشواریهای بسیار، دهبار کرخانه، فرودگاه، خطوط راه آهن، خدمات مراسلاتی و دیگر تسهیلات ضروری ایجاد گردیده است.

خلق کامپوچیا در زمینه اقتصادی نیز کامیابی‌های گرانقدری بدست آورده است. دولت خلقی اهمیهای مهم اقتصادی را در عرصه صنعت، تجارت خارجی، بانکداری، ترابری و دیگر شاخه‌های کلیدی اقتصاد در اختیار دارد. اکنون با اجرای برنامه ضربتی تربیت کادر ملی در زمینه بانکداری، نظام پولی کشور احیاء گردیده است.

چرخهای تولید فعالیت خویش را در شرایطی آغاز کردند که طبقه کارگر مرکب‌ترین

ضربات را از ناحیه پول‌پوتیست‌ها متحمل شده بود. برای نمونه ۹۰ درصد کارگران راه آهن و هفتاد درصد کارگران نساجی کشته یا نابود شدند. از اینرو کشور، از جهت نیروی کار ماهر و مواد خام، با کمبود جدی روبرو بود. با اینحال، بیش از پنجاه واحد صنعتی‌بازسازی و آغاز به تولید کرده‌اند. سال گذشته ۲۹ میلیون کیلووات‌ساعت برق، در حدود ۳۰۰۰۰۰ تن آرد و ۱۲۰۵ تن صابون تولید شده است.

در گستره کشاورزی نیز پیشرفت‌های چشمگیری صورت گرفته است. سال گذشته، محصول يك میلیون هکتار اراضی زیر کشت برداشت شد. محصول برنج نسبت به سال ۱۳۵۷ در یست و پنجاه درصد افزایش تولید نشان میدهد.

در آموزش و فرهنگ زوال‌یافته کشور، اصلاحات بنیادی صورت گرفت. پس از ۴ سال تعطیل مراکز آموزشی و بازگشایی مجدد آنها، در سال ۱۳۵۸-۱۳۵۹ با فراخوان ۱۵۶۰۰ آموزگار و کادرهای بتازگی تربیت‌شده، يك میلیون دانش‌آموز به بیش از ۱۳ هزار کلاس آموزش دوران ابتدایی راه یافتند. مدارس متوسطه و دانشکده‌ها هم شروع به تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان کردند.

چیرگی بر معضلات و درمان زخم‌های تن و جان ۴ میلیون انسان، که دوزخ مائوئیسم را پشت سر نهاده‌اند، تلاش‌های سترگی را می‌طلبد. در شرایط دشوار کمبود مواد غذایی و نیازهای اولیه و فقدان بهداشت و درمان، رسیدگی به وضع اسفناک کودکان، بویژه ۷۰ درصد کودکان بی‌سرپرست، تدابیر انقلابی را ایجاب میکرد. دولت انقلابی خلق کامپوچیا گامهای مهمی در این سمت برداشت. برای کودکان بی‌سرپرست پرورشگاه تأسیس گردید،

و در سایه کمکهای انترناسیونالیستی، کلاسهای دانشکده پزشکی پنوم‌پن، با هفتصد دانشجو آغاز به کار کرد. بیش از ۲۰۰۰ بیمارستان و مراکز خدمات درمانی در شهرها و روستاها ایجاد گردید.

مردم کامپوچیا همزمان با این پیروزی‌های استقلال‌آفرین، با توطئه‌ها و تحریکات مسلحانه دست‌پروردگان برتری‌طلبان چین و امپریالیسم آمریکا نیز روبرو هستند. امپریالیستهای آمریکایی و برتری‌طلبان چین از طریق مسلح-ساختن و تمرکز ۴۰ تا ۷۰ هزار مزدور پول‌پوتیست در مرز تایلند - کامپوچیا، به کانسون داغ تشنج‌فزایی در منطقه جنوب شرقی آسیا دامن می‌زنند.

همروند با عادی‌شدن زندگی کشور و شالوده‌ریزی نظام حکومتی، کامپوچیا در تدارک شرایط ضرور برای شرکت وسیع مردم در انتخابات عمومی مجلس ملی، برگزینی هیئت عالی قانون‌گذاری و هیئت‌های اداره‌کننده ملی بسر می‌برد. بزودی بحث همگانی پیرامون طرح نخستین قانون اساسی، که از آن جمله بر مدیریت اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده سوسیالیستی تاکید دارد، آغاز میشود.

خلق کامپوچیا، در پرتو کمک‌های انترناسیونالیستی، با گامهای تندپو، بر واپس‌ماندگی‌های موجود غلبه میکنند. در این رهگذر، یاری‌های بموقع اتحاد شوروی و ویتنام سوسیالیستی با ارسال جمعا ۴۲۰۰۰۰ تن مواد غذایی نقش تعیین‌کننده در سرنوشت کشور داشت.

بدینسان همبستگی جامعه کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلحدوست و مترقی جهان با خلق کامپوچیا، ضامن مطمئن کامیابیهای چشمگیر در راه ساختمان سوسیالیسم در کامپوچیا است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق



به توصیه جبهه ملی آزادیبخش السالوادور: مردم السالوادور برای يك قیام عمومی آماده میشوند

نیروهای جبهه آزادیبخش «فراابوندومارتنی»، متشکل از نیروهای رزمنده انقلابی السالوادور، در پی حملات گسترده يك هفته اخیر خود علیه ارتش مزدور السالوادور، يك هواپیمای نظامی رژیم راه که روستایان بیکنه را مورد بمباران قرار میداد، سرنوگون کردند. پارتیزانهای السالوادور نیز در شمال کشور، ضمن دفع حملات نظامیان السالوادور، که بوسیله مستشاران آمریکایی رهبری می‌شدند، ضربات شکننده‌ای به یگانهای ارتش وارد آوردند.

از سوی دیگر، سازمان مذهبی السالوادور جنایات رژیم دست‌نشانده کشور علیه مردم بیکنه را محکوم و اعلام کرد:

«مردم حق دارند علیه یعدالتی اقتصادی و سیاسی، سر به شورش بردارند».

در این میان، رادیوی مخفی جبهه آزادیبخش ملی «فراابوندومارتنی» به مردم توصیه کرد که برای يك قیام عمومی آماده شوند. این توصیه در حالی است که مزدوران سوموزا، دیکتاتور معدوم ویکاراکوئه، برای کمک به ارتش رژیم دست‌نشانده السالوادور، وارد این کشور شده‌اند. همچنین در پی کشته‌شدن چند آمریکایی در السالوادور، پاره‌ای از محافل آمریکایی لاتین گفتند: «گروههای تروریستی دست‌راستی میخواهند با این اقدامها مداخله نظامی مستقیم آمریکا را در جنگ داخلی کشور توجیه کنند».

آغاز کار کنفرانس مربوط به استقلال نامیبیا در ژنو

کنفرانس مربوط به استقلال «نامیبیا» در ژنو، کار خود را آغاز کرد. گورد والدهایم، دبیر کل سازمان ملل در سخنرانی خود اظهار امیدواری کرد که این کنفرانس راه را برای استقلال نامیبیا باز کند. در این کنفرانس سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو)، تنها نماینده قانونی خلق نامیبیا، و نمایندگان آفریقای جنوبی و نیز نمایندگان از سازمان ملل متحد حضور دارند. رژیم آفریقای جنوبی نیز دست‌نشانده‌گان خود را در نامیبیا بعنوان «احزاب داخلی کشور» وارد کنفرانس کرده است.

«سواپو» اعلام کرده‌است که در این کنفرانس تنها آفریقای جنوبی را برسمیت می‌شناسد. رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از ابتدای کار کنفرانس تلاش خود را برای به‌شکست کشاندن کار آن آغاز کرده است.

نژادپرستان آفریقای جنوبی، باردیگر آنکولا را مورد حمله قرار دادند

نیروهای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی باردیگر به خاک آنکولا حمله کردند. سربازان آفریقای جنوبی در حملات چند روز اخیر خود به خاک آنکولا، ده‌ها تن از غیرنظامیان را کشتند و چند کارخانه و کشتزار را نابود کردند.

پس از پیروزی انقلاب آزادی-بخش آنکولا، امپریالیسم و متحدانش و بخصوص رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، برای جلوگیری از رشد انقلاب آنکولا و نابودی حکومت انقلابی آن، همواره این کشور را مورد یورشهای وحشیانه خود قرار دادند.

سامرین رهبر کامپوچیا: کرسی کامپوچیا در سازمان ملل متحد باید به نمایندگان واقعی مردم کامپوچیا سپرده شود

نماینده لائوس در سازمان ملل متحد: مسخره است که کرسی کامپوچیا در اختیار جنایتکارانی که تحت تعقیب هستند، قرار گیرد.

نماینده لائوس در سازمان ملل متحد، در پیامی برای کورت-والدهایم، دبیر کل این سازمان، اقدامهای دارودسته خون‌آشام پول‌پوت-ینگساری راه، که با حمایت امپریالیسم آمریکا و مائوئیستهای پکن، میخواهند خود را بعنوان نمایندگان قانونی (!) مردم کامپوچیا جا بزنند، شدیداً محکوم کرد. نماینده لائوس گفت: «افرادی که بعزت قتل ۴ میلیون تن از هموطنان خود بعنوان جنایتکاران بزرگ تاریخ تحت تعقیب هستند، مسخره است که خود را نماینده همان مردم جا بزنند».

نماینده لائوس افزود: «باید تدابیر مقتضی اتخاذ شود تا شورای انقلابی خلق کامپوچیا تنها نماینده قانونی مردم این کشور، بتواند این نمایندگی را در سازمان ملل متحد اعمال کند».

در همین حال، «هنگسامرین» رهبر کامپوچیا، در نطقی بمناسبت دومین سالگرد پیروزی خلق کامپوچیا بر دارودسته جنایتکار پول‌پوت-ینگساری، گفت: «بزودی انتخابات عمومی در سرتاسر کشور برگزار می‌شود».

وی تاکید کرد: «طرح قانون اساسی جدید در دست تهیه است و برای بحث در سرتاسر کشور منتشر می‌شود».

هنگسامرین همچنین افزود: «کامپوچیا خواهان روابط حسن‌همجواری با تایلند و دیگر کشورهای آسیای جنوب‌شرقی است و مایل است این منطقه به منطقه صلح تبدیل شود».

هنگسامرین در نطق خود، برای چندمین بار تاکید کرد: «کرسی کامپوچیا در سازمان ملل متحد باید به نمایندگان واقعی مردم این کشور سپرده شود».

کمک‌های نظامی سادات به «مبارزان» افغانی افزایش یافت

رهبران به اصطلاح مبارزان افغانی که برای دست‌بوس‌سادات برای چندمین بار به قاهره رفته‌اند، موفق شدند که موافقت سادات را برای دریافت مقادیر بیشتری اسلحه جلب کنند.

سادات موافقت کرد که کمکهای نظامی مصر به «مبارزان» افغانی افزایش پیدا کند و بهین‌خاطر بلافاصله يك پارتی موشک‌شد

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 415
10 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران